

چکیده

از آن جا که دین مقدس اسلام آخرین و فراگیرترین دین الهی و پیامبر اسلام نیز آخرین سفیر و خاتم انبیاست، چگونه امکان دارد رسول خدا^{علیه السلام}

برای استمرار و گسترش فرهنگ دینی و دست‌آوردهای رسالتش کسی را پس از خود برنگزیند؟ از طرفی هم دشمنان داخلی اسلام (منافقان) و دشمنان خارجی آن (روم و ایران) در پی فرست بودند تا با به وجود آوردن روی کرد جدید در حوزه رهبری اسلام، به اهداف خود جامه عمل پوشانند.

بنابراین از شخصیت همانند پیامبر اکرم^{صلوات الله علیه و آله و سلم} که در پی ایجاد جامعه ایده‌آل

متبنی بر ارزش‌های انسانی الهی و تداوم آن بود، بعید است که برای خود

جانشین و خلیفه تعیین نکند و امت اسلام را به حال خود رها سازد.

از این روی، تاریخ‌نگاران شیعه معتقدند که پیامبر اسلام^{صلوات الله علیه و آله و سلم} مثل پیامبران

گذشته برای خود جانشین تعیین کرد. ایشان در جاهای مختلف به ویژه در

غدیر خم، امیر المؤمنان علی^{علیه السلام} را به جهت لیاقت و شایستگی و از همه

مهم‌تر به جهت تعیین خداوند برگزید، اما پس از رحلت رسول خدا^{علیه السلام} علی

رغم نص قرآن و تأکید پیامبر اکرم، برخی از نویسندهای این جانشینی را

نادیده گرفتند که در جای خود باید بررسی و نقد شود. بنابراین، شیعیان

عقیده دارند که رسول خدا^{علیه السلام} علی^{علیه السلام} را جانشین خود معرفی فرموده است.

وازگان کلیدی

پیامبر اعظم^{صلوات الله علیه و آله و سلم} علی^{علیه السلام}، خلافت، خاورشناسان.

* کارشناس ارشد تاریخ اسلام، جامعه المصطفی العالمیه.

شیعه از منظر خاورشناسان و اندیشه‌وزان اسلامی

خاورشناسان و متفکران اسلامی، هر کدام درباره شیعه تفسیری دارند که ابتدا به دیدگاه آنان پرداخته می‌شود:

۱. شیعه فرقه‌ای است که حضرت علی علیه السلام را در مقام جانشینی رسول خدا علیه السلام پذیرفته‌اند و معتقدند که رهبری جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اسلام علیه السلام باید در اختیار نزدیک‌ترین فرد خاندان او باقی بماند. به اعتقاد این گروه، پیامبر علیه السلام قبل از رحلت در حجۃ‌الوداع، علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود تعیین فرمود.^۱

۲. شیعیان، تنها علی علیه السلام را خلیفه و جانشین برحق رسول اکرم علیه السلام می‌شناسند و عنوان امیرالمؤمنان را به علی بن ابی طالب علیه السلام منحصر می‌دانند و دوران حکومت نسبتاً کوتاه او را مشروع می‌شمارند. و حکومت خلفای پیش از او را نامشروع و غاصب خلافت می‌نامند.^۲ همچنین این فرقه اعتقاد دارند که خداوند تعدادی از امامان را برای رهبری جامعه اسلامی برگزیده و آنها را از علم و نور ویژه‌ای برخوردار نموده است که دیگران از چنین علمی محروم و بی‌بهره‌اند.^۳ آنان معتقدند که امامت باید درخاندان علی علیه السلام زهراء علیه السلام تا روز قیامت استمرار یابد و هر امام جانشین بعد از خود را تعیین می‌کند.^۴

۳. پیامبر گرامی اسلام علیه السلام تعیین خلیفه را به مردم واگذار نکرد؛ زیرا شاهدی بر این مدعای وجود ندارد. بلکه آن حضرت از ابتدای «انذار عشیره» تا پایان عمر خویش که قلم و دوات خواست تا علی علیه السلام را به جانشینی بعد از خود برگزیند، به خلافت علی علیه السلام تصریح فرموده است. کسانی که ادعا می‌کنند رسول خدا علیه السلام خلافت را بر عهده امت گذاشت باید دلیل بیاورند.

آیا تازه مسلمان‌ها به این کار رضایت می‌دادند و یا خود مسلمانان و صحابه به آن بلوغ فکری رسیده بودند؟ اگر به رشد فکری لازم رسیده بودند، چرا در جریان سقیفه میان آنها نزاع پیش آمد؟ پس می‌توان به این نتیجه رسید که حضرت محمد علیه السلام جانشین خود را تعیین کرد و آن هم علی علیه السلام بود.^۵

۱. محمود تقی‌زاده، تصویرشیعه در دائرة المعارف آمریکانا، ص ۶۵، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲؛ رابرت ویر، جهان، ادبیان در جوامع امروز، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۸۸۷ تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

۲. هاینس هالم، تشیع، ترجمه محمد تقی اکبری، ص ۳۱، قم: نشر ادیان، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۳. همان، ص ۱۴.

۴. همان، ص ۱۸.

۵. سید جعفر شهیدی، دانشنامه امام علی علیه السلام (زیست‌نامه امام علی علیه السلام)، زیر نظر علی اکبر رشاد، ج ۸، ص ۱۳، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴. اهل سنت، مدرک و نصی بر خلافت ابوبکر از طرف پیامبر ﷺ ندارند. اگر چنین چیزی می‌دانستند؛ این همه به اجماع تأکید و اصرار نمی‌ورزیدند. از آن گذشته، ابوبکر در سقیفه به مهاجر و انصار حاضر گفت: «بایکی از این دو نفر(عمر و ابوعبیده) بیعت کنید». اگر رسول خدا ﷺ او را خلیفه خوبیش تعیین کرده و خلافت حق مسلم او بود، لازم نبود به کسی دیگر تعارف کند. روزی عباس عمومی رسول خدا ﷺ از ابوبکر پرسید: «آیا پیامبر اعظم ﷺ تو را وصی خود قرارداده؟» جواب داد: «نه!» اما شیعیان با ادله عقلی و نقلی حقانیت علی ﷺ را برای خلافت ثابت می‌کنند.^۱

۵. جانشینی و خلافت، از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین امر در فرآیند رسالت جامع رسول خدا ﷺ به حساب می‌آمد. از این رو، آن حضرت سعی می‌کردند تا با تعیین زعیم فکری و سیاسی پس از خود، اسلام را از سقوط و انحراف در امان نگه دارند. ایشان در آخرین روزهای حیات پربار خود نیز به این امر خطیر توجه داشتند. به گفته همه دانشمندان و تاریخ‌نگاران، پیامبر ﷺ در روزهای پایانی عمر خود به اطرافیانش فرمود: «برایم قلم و دوات بیاورید تا وصیت‌نامه بنویسم که پس از من گمراه نشوید.» ولی عمر جلوگیری کرد. عده‌ای دیگر از کار عمر حمایت کردند. آیا این جلوگیری بدون دلیل و برنامه‌ریزی قبلی صورت گرفت و یا این‌که برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده بود؟ از گفته‌های خود عمر که بعد از جریان سقیفه به آن اعتراض کرده، به دست می‌آید که آنها برای حذف امام علی ﷺ از خلافت، نقشه از پیش تعیین شده داشتند؛ چنان‌که می‌گوید: «پیامبر خدا در آن روز که قلم و دوات طلبید، می‌خواست علی ﷺ را به جانشینی خود برگزیند، اما من نگذاشتم این کار صورت گیرد.»^۲

۶. وقتی آیه «انذر عشیره» بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد، به علی ﷺ دستور داد که سران بنی‌هاشم را دعوت نماید و او هم دستور رسول خدا را اجرا کرد. در آغاز بعثت، چالش‌های زیادی فراروی رسالت پیامبر ﷺ قرار داشت و سران گردن‌کش و ستم‌کار قریش، به شیوه‌های مختلف سد راه آن حضرت می‌شدند. امام علی ﷺ که در سن نوجوانی بود، بدون توجه و هراس از خطرهای پیرامون، با جان و دل به پیام آسمانی لبیک گفت و پیامبر خدا را در سختی‌ها نگذاشت و پروانهوار گرد شمع وجود آن حضرت می‌چرخید. که در روز اول رسول خدا ﷺ موفق به صحبت کردن نشدند، ولی در روز بعد

۱. سیدحسن فاطمی، دانشنامه امام علی (سقیفه)، ج ۸، ص ۴۷۱.

۲. عبدالحسین خسروپناه، دانشنامه امام علی، (علمرو دین)، ج ۳، ص ۴۱۰.

فرمودند: «چه کسی از شما مرا در امر تبلیغ و رسالتم یاری می‌کند؟» جز علی ع کسی پاسخ نداد. در همانجا رسول خدا ع درباره او فرمود: «این وصی و خلیفه من در میان شماست.^۱ حضرت محمد صلی الله علیہ و آله و سلم در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری، در غدیر خم در حضور هزاران زائر خانه خدا نیز علی ع را خلیفه خود معرفی کردند، و از همانجا ابوبکر، عمر، ابوعبیده و سالم (مولای حذیفه)، هم پیمان شدند که درباره علی ع از پیامبر خدا صلی الله علیہ و آله و سلم پیروی نکنند که این کار پس از رحلت رسول خدا آشکار گردید.^۲

۷. جایگاه علمی و ارزشی امام علی ع به میزانی بود که کسی نمی‌توانست آن را انکار کند؛ حتی کسانی که وی را از رهبری امت اسلامی کنار زدند، به شأن و منزلت آن حضرت اعتراف کردند. عمر بارها در زمان خلافت خود اعتراف کرد که حکومت و خلافت متعلق به علی بن ابیطالب ع است. او روزی به اطرافیان خود گفت: «ای مردم ای مهاجرین و انصار! درباره خلافت چه فکر می‌کنید و چه می‌گویید؟» گفتند: «تو حاکم مؤمنان و خلیفه رسول خدا صلی الله علیہ و آله و سلم هستی و امر حکومت در دست توست.» عمر با شنیدن این سخن، خشمگین شد و گفت: «یا آئیها الذین آتُوا أَتَقْوَا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید. سپس ادامه داد: «به خدا قسم شما خوب می‌دانید که صاحب آن (خلافت) کیست و چه کسی آگاه‌تر به آن است.» اطرافیان گفتند: «ای امیر گویا مرادت فرزند ابوطالب است.» عمر گفته آنها را تأیید و تصدیق کرد.^۴ در هر حال، آنان خلافت را متعلق به علی ع می‌دانستند و معترف بودند، ولی حب دنیا و ریاست طلبی، اجازه نمی‌داد که حق را به صاحبش بازگردانند.

۱. شیخ مفید، ارشاد، ص ۸-۵۰، قم، انتشارات تیزهوشان، چاپ اول، ۱۴۳۱ق؛ دانشنامه امام علی، لزیست‌نامه امام علی، ج ۸، ص ۱۳؛ اسرار آل محمد، ترجمه اسماعیل انصاری، ص ۳۰۱، قم، دلیل ما، چاپ سوم، ۱۳۸۱.

۲. اسرار آل محمد، ص ۲۳۳؛ دانشنامه امام علی (ستفنه) ج ۸، ص ۴۰۸.

۳. سوره احزاب، آیه ۷۰.

۴. دانشنامه امام علی (ستفنه) ج ۸، ص ۴۷۰؛ محمدبن سعد طبقات‌الکبری، ج ۲، ص ۵۷-۱۸۰، لبنان: بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م؛ جلال الدین عبدالرحمان بن سیوطی، التوضیح علی الجامع الصحيح، (صحیح بخاری)، ص ۴۳۶-۴۳۴، لبنان: بیروت، دارالعلم، چاپ اول، ۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م؛ ترمذی، جامع صحیح، سنن ترمذی، ص ۵۹۱-۵۹۶، لبنان، بیروت، چاپ اول ۱۴۰۸ق/۱۹۸۷م، ج ۵. «چون رسول خدا رحلت کرد، مسلمانان بر سری

جانشینی ایشان به نزاع برخاستند. به خدا سوگند هرگز در خیالن نمی‌گنجید و به خاطرم نمی‌گذشت که عرب بعد از محمد صلی الله علیہ و آله و سلم در امر خلافت از اهلیت او رخ برتابند یا خلافت را پس از او به دیگری جز من واگذارند؛ و مرا به وحشت نیندازد به جز هجوم مردم از هر سو به سوی ابوبکر تا با او بیعت کنند. من لحظه‌ای از بیعت کردن دست کشیدم و می‌دیدم که خود از هر کس دیگر به جانشینی رسول خدا برگزیده شوم، سزاوارتم. زمانی که خدا می‌خواست در آن حال درنگ کردم تا وقتی که دیدم برخی مردم از دین بازمی‌گردند و به نابودی دین خدا و



۸. کلمه شیعه را خود خاتم الانبیا برای امیرالمؤمنان و پیروان آن حضرت بیان فرموده؛ مانند: «یا علی فاستغرت لک و لشیتک الی یوم القیامه.»^۱ برخی نیز گفته‌اند که شیعه، واژه‌ای عربی است به معنای حزب یا فرقه که در آغاز به جای آن از واژه شیعه علی علی اللہ علیہ السلام یا حزب او یاد می‌شد و به اصطلاح امروزی، طرفداران نامزد یک منصب سیاسی را می‌گویند.^۲
۹. شیعه فرقه‌ای است که حضرت علی علی اللہ علیہ السلام را در مقام جانشین رسول خدا صلوات اللہ علیہ و آله و سلم پذیرفتند و استدلال می‌کردند که رهبری جامعه پس از رحلت خاتم الانبیا باید در اختیار نزدیک‌ترین فرد خاندان او باقی بماند. همچنین این گروه اعتقاد داشتند که خداوند، تعدادی از امامان را برای رهبری جامعه برگزیده و آنها را از علم و یا نور ویژه‌ای برخوردار نموده که دیگران از آن بی بهره‌اند.^۳
۱۰. شیعیان نام خود را از وجه تسمیه شیعه علی علی اللہ علیہ السلام پسرعمو و داماد خاتم الانبیا گرفته‌اند. تشیع و یا شیعه، یک صورت نهضت سیاسی است که در جریان انتخاب خلفای بعد از رسول خدا صلوات اللہ علیہ و آله و سلم به وجود آمد. آنان علی علی اللہ علیہ السلام و اولاد او از نسل فاطمه علیہ السلام را تنها جانشینان مشروع حضرت محمد صلوات اللہ علیہ و آله و سلم در مقام رئیس امت اسلامی می‌شناختند.^۴ پس از رحلت پیامبر صلوات اللہ علیہ و آله و سلم، مسلمانان به دو دسته و گروه متضاد تقسیم شدند: شیعه و سنی. به مسلمانانی که پس از رحلت پیامبر اکرم صلوات اللہ علیہ و آله و سلم حضرت علی علی اللہ علیہ السلام را مناسب‌ترین و شایسته‌ترین فرد برای رهبری و اداره جامعه می‌دانستند، شیعه می‌گفتند. به اعتقاد این گروه، پیامبر اعظم صلوات اللہ علیہ و آله و سلم قبل از رحلت خویش در حجه‌الوداع، حضرت علی علی اللہ علیہ السلام را به عنوان جانشینی خود تعیین فرموده است.^۵

۱. آیین محمد صلوات اللہ علیہ و آله و سلم و ابراهیم صلوات اللہ علیہ السلام دعوت می‌کنند، ترسیدم که اگر به باری اسلام و مسلمانان برخیزم در دین رخنه پدید آید، و بنای مسلمانی ویران گردد، نزد ابوبکر رفتم با او بیعت کردم، چون مرگ ابوبکر فرا رسید عمر را فرخواند و خلافت را به او واگذار کرد، و پس از عمر خلافت را به عثمان دادند. آنان آن قدر که از حکومت من اکراه داشتند، از حکومت هیچ یک از خودشان کرامت نداشتند. (ولفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد، ص ۳۸۲، برگرفته از کتاب الغارات)

۲. شیخ مفید، امامی، ترجمه حسین استادولی، مشهد آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۰۲.

۳. برنارد لوئیس، تشیع و مقاومت، (شیعه در تاریخ)، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل آویو، ۱۹۸۴، ص ۳۱، تاریخ انتشار در ایران، ۱۳۶۸، تهران، فاروس.

۴. تصویر شیعه به تقلیل از دائرة المعارف امریکانا، ص ۵۶.

۵. ولفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد صلوات اللہ علیہ و آله و سلم، ترجمه احمد نصایی و دیگران، ص ۴۳، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، جان هنلر، راهنمای ادبیان زنده، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ج اول، ص ۴۰۷، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۶. شیخ صدوq، امامی، ترجمه آیت‌الله کمره‌ای، ص ۳۵۶، تهران: انتشارات اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۴؛ رابت ویر، جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۸۸۷، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

۱. آیات

از آن جایی که قرآن دستورالعمل زندگی سعادت‌آفرین است، مقررات و اوامر آن تمام حوزه‌های زندگی انسان را شامل می‌گردد. خداوند هیچ‌گاه سرنوشت انسان را نادیده نمی‌گیرد و آیات متعدد قرآن، امامت و پشوایی را در طول رسالت دانسته، به اطاعت از پروردگار، رسول و ولی و سرپرست پس از پیامبر ﷺ دستور می‌دهد. در برخی از آیات،^۱ از واژه امام استفاده شده که همان پیشوایی پس از ابراهیم علیه السلام را می‌رساند و گفتنی است که شایسته‌ترین فرد را امام و پیشوا می‌داند. هم‌چنین کسی را مصدق واقعی پیشوایی می‌شمارد که هم به عبادت پروردگار مشغول است و هم از کمک به فرودستان غافل نیست؛ یعنی هم رکوع می‌کند و هم به نیازمند می‌بخشد و این کسی نیست مگر علی علیه السلام.

برای تبیین موضوع، به برخی از آیات اشاره می‌گردد:

الف) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطْبِعُوا اللَّهَ وَأَطْبِعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمُ الْأُمْرُ مِنْكُمْ»؛^٤

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را، اطاعت کنید و پیامبر خدا و اولو لامر[و صی] او را.

ب) «وَإِذْ أَبْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبِّهِ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمَنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ

لَا يَنَالُ عَهْدَى الظَّالِمِينَ)؛^٣

به خاطر آورید، هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگون آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تورا امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم عرض کرد: از دودمان من (نیز امامانی قرار بدی) خداوند فرمود: پیمان من به ستم کاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرزندان توکه پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند).

٥) آیه ولايت: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا إِذْنَ اللَّهِ يُقْبَلُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتَوْنَ الرِّزْكَأَوْهُمْ رَاكِبُوْنَ﴾.

بسیاری از مفسران در شان نزول این آیه گفته‌اند که شخصی در مسجد آمد و درخواست کمک کرد. حضرت علی علیہ السلام که در نماز و حالت رکوع بود، به انگشت خود

١٢٤ آلهہ بقدر

سید رضا

١٣٤ سورة يس، آية

سورة بقرہ، آیہ ۴۹

اشاره فرمود که بیا این را بگیر. در آن حال، پیامبر اکرم ﷺ از خداوند خواست که جانشینی
مانند موسی ﷺ داشته باشد و خداوند بزرگ این آیه را نازل فرمود.^۱
آیات زیادی دلالت دارد که جانشین رسول خدی ﷺ، باید فردی شایسته و آگاه به مسائل
اسلامی و دارای ساقه دیرینه باشد. پس بی تردید، شخصیت دارای ویژگی‌های منحصر به
فرد بعد از پیامبر اکرم ﷺ غیر از علی ﷺ کسی نمی‌تواند باشد.
﴿وَأَنذِرْ عَشِيرَةَ الْأَقْرَبِينَ﴾^۲

این آیه به خاتم الانبیاء ﷺ خطاب می‌کند که رسالت خود را از بین اقوام نزدیک خویش
آغاز نماید؛ چون اگر افراد نزدیک انسان به او ایمان داشته باشند، برای دیگران هم مؤثر
خواهد افتاد؛ زیرا فردی که به شخص نزدیک باشد، از همه اسرار او با خبراست.^۳

۲. احادیث

(الف) حدیث منزلت: پیامبر اسلام ﷺ برای سرکوبی رومیان که حمله به مدینه را قصد
داشتند، حدود سی هزار نیرو جمع کرد، در حالی که هوا گرم و موقع برداشت محصول بود.
همزمان به رسول خدا گزارش رسید که منافقان مدینه قصد دارند در غیاب آن حضرت، به
کودتا دست بزنند و از این خلاً پیش آمدۀ استفاده کنند. پیامبر اعظم ﷺ برای جلوگیری از
توطنه آنها، علی ﷺ را به جای خود در مدینه گذاشت؛ زیرا شخصیت علی ﷺ از نظر
جایگاه همانند رسول خدا بود و با بودن امیر المؤمنان، منافقان جرأت نمی‌کردند، کاری
انجام دهنند. وقتی منافقان از موضوع باخبر شدند، توطنه‌ای دیگر چیدند و گفتند: «میان
رسول خدا و علی ﷺ اختلاف شده؛ زیرا علی ﷺ را همراه خود به جهاد نبرده است.» لذا
وقتی علی ﷺ از شایعات منافقان آگاه شد، نزد پیامبر رفت و ایشان را از این موضوع
باخبر ساخت. رسول خدا فرمود:

اما ترضی ان تكون متى بنزلة هارون من موسى الاَّ الله لانبئيَّ بعدى، الله لا ينبغي
ان اذهب الاَّ و انت خلفتى.^۴

۱. رضا استادی، *اصول عقاید*، ص ۲۸۹.

۲. سوره شراء، آیه ۲۱۴.

۳. محمدباقر مجلسی، *مرآۃ المقول*، ج ۲، ص ۲۶۴، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۹؛ شیخ
صدقوق، خصال، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج ۲، ص ۱۱، تهران، کتابچی، چاپ دهم، ۱۳۸۴؛ شیخ مفید، *العمل*،
ص ۷۵، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم ۱۴۱۶؛ شیخ صدقوق، *کمال الدین و اتمام النعمه*، ترجمه منصور
پهلوان، ص ۴۰۳ و ۴۱۲، قم: دارالحدیث، چاپ اول ۱۳۸۰.

۴. طبقات الکبری، ج ۲، ص ۵۷.

(ب) حدیث غدیر: این حدیث دلالت می‌کند که رسول خدا^{علیه السلام} را از میان هزاران حاجی برگزید و در آن هوای گرم اعلام کرد: من کنت مولاه فهذا علی مولاه.^۱ پس از حرف‌های رسول خدا^{علیه السلام} همه حاضران با علی^{علیه السلام} بیعت کردند و این منصب را به ایشان تبریک گفتند. گوستاو لوپون می‌گوید:

پیامبر^{علیه السلام} هر وقت مدینه را ترک می‌کرد، کسی را به جای خود می‌گذاشت، ولی این جمله را که درباره علی^{علیه السلام} گفته است، درباره هیچ کس نگفته است.^۲

آن‌چه از حدیث منزلت و حدیث غدیر به دست می‌آید، جایگاه امام علی^{علیه السلام} در پیش صحابه رسول خدا^{علیه السلام} است. زمانی که رسول اکرم^{علیه السلام} تازه به رسالت مبعوث گردیده بود و موانع فراوانی در سر راه تبلیغ رسالت‌ش قرار داشت و در انجام دادن وظیفه خطیر پیامبری پشتبانی نداشت، امام علی^{علیه السلام} تنها کسی بود که در هنگام «انذار عشیره» پشتبانی خود را اعلام کرد. رسول خدا هم وی را وصی پس از خود خواند.

دیدگاه خاورشناسان درباره جانشینی علی^{علیه السلام}

خاورشناسان درباره جانشینی امیر مؤمنان علی^{علیه السلام} دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ از جمله:
۱. پس از رحلت پیامبر^{علیه السلام} بر سر جانشینی ایشان تنش و اختلاف نظری جدی به وجود آمد و دسته‌های مهاجر و انصار، به فکر خلافت افتادند و برحقانیت خود دلایلی آورند؛ از جمله: مهاجران قریش، که همراه پیامبر اسلام در مکه بودند و پس از آن به مدینه هجرت کردند، به دست آویز قرابت خونی و سوابقه در اسلام، حق جانشینی را از آن خود می‌دانستند. انصار مدینه ادعا می‌کردند که اگر آنها به پیامبر^{علیه السلام} و مسلمانان پناه نمی‌دادند، اسلام در عهد خود تباہ شده بود، لذا ادعای مهاجران را رد کردند و گفتند: خلافت باید از آن ما باشد. گروهی دیگر هم مدعی بودند که محمد^{علیه السلام} پسرعموی خود علی^{علیه السلام} را به جانشینی خویش تعیین فرموده است. احتجاج این گروه این بود که می‌گفند: خدا و پیغمبر^{علیه السلام} ممکن نیست چنین مسأله مهمی را به اختیار و تصمیم مردم واگذار نمایند.^۳

۱. محمدياقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۷۳؛ ابي جعفر محمدبن الحسن توسي، امالی، ص ۲۷۷، قم: دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴، الفه، ج ۱۰، ص ۵۹.

۲. تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۲۵۵.

۳. فيليب خوری حتی، شرق نزدیک در تاریخ، ترجمه قمر آریان، ص ۳۲۴، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۲؛ گلزاری‌ها، درس‌های درباره اسلام، ج ۲، ص ۴۳۹.

۲. مسلمانان هرگز پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ - چه در مسائل مذهبی و چه سیاسی- یک پارچه نبودند و این اختلاف بر سر جانشینی رسول خدا ﷺ آغاز شد.^۱

۳. هنگامی که علی علیاً در کوفه به خلافت رسید(۳۶/۱۵۶) از نظر شیعیان آن حضرت، اجرای این امر بسیار دیرهنگام بود؛ زیرا پیامبر اعظم ﷺ به موضوع جانشینی حضرت علی علیاً بارها سفارش فرموده بود، ولی نوبت حکومت پس از سه نفر به ایشان رسید که این کار در اصل یک حق کشی و زیر پا گذاشتن امر رسول خدا ﷺ به شمار می‌آمد.^۲

۴. شیعیان از همان اول، براین باور بودند که علی علیاً تنها خلیفه برق است. آنها از قبول سه خلیفه دیگر و بهویژه عثمان سر باز زندن و این سه نفر را با سخنان کمابیش صریح، به باد انتقاد گرفتند. با این و صفت به عقیده شیعیان، حضرت محمد ﷺ در آخرین سال زندگی خود (هجدهم ذی الحجه سال دهم قمری) در اجتماعی که در کنار غدیر خم بر پا شده بود، علی علیاً را به جانشینی خود معرفی فرمود.^۳

خطبه غدیر در آثار خاورشناسان

پیامبر اکرم ﷺ در غدیر خم خطبه‌ای طولانی ایراد فرمودند که برخی منابع تاریخی به آن اشاره کرده‌اند:

الحمد لله و نستعينه و نؤمن به و تتوكل عليه، ونحوذ بالله من شرور انفسنا، و من
سيارات اعمالنا الذي لا هادي لمن ضل ولا مضلل من هدي، و اشهد ان لا اله الا الله
انَّ مُحَمَّداً عبده و رسوله، اماً بعد... ايها الناس المستم تعلمون ائمَّة المؤمنين من
انفسهم؟ قال المجموع: بلـي يا رسول الله. قال علی المستم تعلمون ائمَّة المؤمنين من
من نفسه؟ فاجابت الجماهـر: بلـي يا رسول الله. قال علی: من كنت مولاـه فعلى مولاـه،
اللهـم والـمن والاـهـ و عـادـ من عـادـهـ و اـنـصـرـ من نـصـرـهـ و اـخـذـلـ من خـذـلـهـ.^۴

۱. کالین. ا. رنان، تاریخ علم کمبریج، ترجمه حس افشار، ص ۲۸۲، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.

۲. مائنس مالم، تشیع، ص ۲۸۲.

۳. برتولد اشپول، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، ص ۳۲۹، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

۴. شیخ طبرسی، زندگانی چهارده مقصوم، ترجمه عزیزالله عطاردی، ص ۱۹۸، تهران: چاپ اسلامیه، چاپ دوم؛ شیخ مقید، الارشاد، ص ۱؛ علامه حلی، اثبات الوصیه لامام علی بن ایطالب، نجف اشرف، بی‌تا، ص ۱۱؛ مالی شیخ توسي، ص ۱۹۰-۲۴۷؛ آنه ماری شیمل، محمد رسول خدا، ص ۲۹، ترجمه حسن لاهوتی، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.

حمد و سپاس مخصوص خداوند است. از او یاری می‌جوییم و به او ایمان می‌آوریم و بر او توکل می‌کنیم و از شر نفس‌های بدکردارمان به خداوند پنا می‌بریم؛ آن که چون کسی را بی راه گذاشت، هدایت‌کننده‌ای ندارد و چون کسی را بی راه آورد، گهره‌ای کنندای ندارد؛ و گواهی می‌دهم که معبدی جز خداوند نیست؛ و آن که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست. اما بعد ... ای مردم! آیا نمی‌دانید که من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتم؟ همگی گفتند: «آری ای رسول خدا ﷺ» فرمودند: «آیا نمی‌دانید که من به هر مؤمن از خود او سزاوارتم؟» تode مردم عرض کردند: «آری ای رسول خدا.» ایشان فرمود: «هر آن کس که من مولای اویم، علی ﷺ هم مولای اوست؛ خداوندا هر کسی که او را دوست بدارد، دوست بدار و هر کس که او را دشمن بدارد، دشمن بدار و کسی که او را یاری کند، یاری فرما و کسی را که او را خوار بدارد، خوار فرما.»^۱

همان طور که ملاحظه می‌شود، این خطبه آشکارا دلالت می‌کند که پیامبر ﷺ در غدیر خم، علی ﷺ را به جانشینی خویش برگزیدند و فقط او را تأیید فرمودند. اما بعضی از خاورشناسان، از این امر خطیر به سادگی گذشته، در کتاب‌هایشان به آن اشاره‌های نکرده‌اند. این نشان می‌دهد که آنها بیشتر مطالب خود را از کتب اهل سنت گرفته‌اند و به کتاب‌های مرجع شیعه مراجعه نکرده‌اند و یا در دسترس آنها نبوده است، و گرنه مسأله به این مهمی را که به سرنوشت امت اسلامی بستگی دارد، به این سادگی نمی‌توان نادیده گرفت.

اکنون به دیدگاه خاورشناسان در این زمینه اشاره می‌شود:

۱. شیعیان زیدیه معتقدند که سه امام نخست شیعه را پیامبر اکرم ﷺ نصب کرده و این انتخاب‌ها کاملاً به‌جا بوده است، آنها سعی کردند از این طریق، گناهی را که جامعه اسلامی در مخالفت با پیامبر اسلام ﷺ و انتخاب ابویکر، عمر و عثمان به جانشینی او مرتکب شده بودند، تخفیف دهند. آنان معتقدند که امام برق، بهترین و برترین انسان، پس از رسول خدا ﷺ است که علی ﷺ و فرزندانش هستند.^۲

۲. پیروان علی ﷺ بر این باورند که علی ﷺ تنها جانشین برق و مشروع خاتم الانبیاست و امامت بعد از او، در خاندان و فرزندان علی ﷺ استمرار دارد.^۳

۱. ترمذی، جامع الصحیح، ج ۵ ص ۵۹۱؛ آنه ماری شیمل، محمد رسول خدا، ص ۲۸.

۲. آن.کی.اس. لمبتون، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه دکتر محمد‌مهدی فقیهی، ص ۱۰۴، تهران: شفیعی، چاپ سوم، ۱۳۸۵.

۳. همان، ص ۵۴۱؛ هاینس هالم، تشیع، ص ۲۷؛ برتواد اشپولر، جهان اسلام، ترجمه دکتر قمر آریان، ص ۶۴ تهران، سپهر، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

۳. ریشه اختلاف در بین مسلمانان که آنها را به سه شاخه متضاد فکری می‌توان تقسیم کرد، به مسأله مشروعیت خلافت و جانشینی رسول خدا^{علیه السلام} بر می‌گردد؛ زیرا پس از رحلت خاتم الانبیاء، کسی که شایسته رهبری بود باید برگزیده می‌شد تا امت اسلامی را اداره کند. در این میان، اهل سنت این لیاقت و مشروعیت را در یاران پیامبر^{علیه السلام} می‌دیدند، لذا جانشینان پیامبر^{علیه السلام} یکی پس از دیگری برگزیده شدند تا آنجا که به خلافت مورثی انجامید.^۱ شیعیان شایستگی و مشروعیت خلافت را منحصرآ در علی^{علیه السلام} و فرزندان آن حضرت می‌دانستند، ولی برای خوارج فرقی نداشت؛ فقط خلیفه باید پرهیز کار باشد و همه او را برگزینند؛ این که از چه تباری باشد فرقی نمی‌کرد.^۲

۴. دیدگاه اهل سنت درباره خلافت که پیوند تاریخی نزدیکی با خلافت موجود داشت، مقبولیت عام نیافت. بلکه شیعیان که شاخه دیگر دین اسلام را تشکیل می‌دادند، براین باور بودند که فقط حضرت علی^{علیه السلام} داماد و عموزاده رسول خدا^{علیه السلام} جانشین به حق پیامبر است و هدایت و امامت باید به او سپرده شود. از این رو، خاندان علوی با ادعای وراثت خانوادگی و تعیین حضرت علی^{علیه السلام} توسط پیامبر اعظم^{علیه السلام} و نیز اعتراف به فضیلت معنوی خاندان علی^{علیه السلام} استدلال می‌کردند.^۳ فرقه‌های شیعه با استدلالات گوناگون، معتقدند که معرفت باطنی به اسلام حقیقی در دوران امام بهودیه نهاده شده که جانشینی رسول خدا^{علیه السلام} است و امام مرجع نهایی در باب معنای حقیقی اسلام بهشمار می‌آید.^۴

۵. شیعیان که بزرگترین فرقه مخالف اعتقاد عامه و اهل سنت هستند، تاریخشان آمیخته از مصائب و اندوه و غم است، ولی نهضت آنها از بدرو تاریخ اسلام آغاز شده و از طرفی هم مدعی اموری هستند که بر قاعدة حق و عدالت مبنی است که با طغیان و سرکشی همراه بوده است. مخالفان و منتقدان آنها، عقایدشان را جالب و جاذب افکار می‌دانند که این خود می‌تواند دلیل برحقانیت شیعیان باشد.^۵

۶. آرزوی دیرین تشیع در طول تاریخ برآورده نشد؛ زیرا آنها پس از رحلت رسول خدا^{علیه السلام} حکومت علی^{علیه السلام} و فرزندان آن حضرت را در سر می‌پروراندند و ادعا داشتند که

۱. مالرب میشل، انسان و ادبیات، ترجمه مهران توکلی، ص ۱۰۸، تهران: نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.

۲. همان، ص ۱۰۹.

۳. محمود تقیزاده داوری و دیگران، تصویر شیعه به نقل از دائرة المعارف امریکانا، ص ۲۳۳.

۴. همان.

۵. جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۷۶۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۵.

خلافت حق علی ﷺ و اعضای خانواده اوست؛ زیرا خداوند، این خانواده را برای تعلیم احکام اسلام و اداره جامعه اسلامی برگزید. این گروه در طول تاریخ با اظهار ادعای خود مبنی بر ظهور حضرت مهدی از این خانواده، امید بسیاری از مسلمانان ناراضی را برای رهایی از ستم رژیم حاکم افزایش دادند. لذا هیچ بعد نیست همان‌گونه که از طایفه بنی هاشم پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی ﷺ را پرورش دادند، چنین فردی را نیز در خود پیرواراندند و گفتار آنها تحقق یابد.^۱

۷. شیعیان کوفه از زمان خلافت علی ﷺ مدعی شدند که پیامبر اسلام علی ﷺ را وصی خود قرار داده است.^۲

۸ با رحلت پیامبر اسلام ﷺ جامعه اسلامی با خلا رهبری مواجه شد و درباره این که رهبری و زمام امور را چه کسی باید اداره نماید و چه کسی می‌تواند تعالیم قرآن و آرمان‌ها و اهداف پیامبر ﷺ را به بهترین وجه اجرا کند، اختلاف نظرهایی به وجود آمد:^۳

- بعضی مسلمانان، تصور کردند که ابوبکر مناسب‌ترین فرد برای این کار است. او از مسلمانان و صحابه قدیمی و پدر همسر پیامبر ﷺ بود.

- گروهی دیگر از مسلمانان، پسرعمو و داماد پیامبر، علیه السلام، یعنی حضرت علی ﷺ را ترجیح می‌دادند که خلیفه و جانشین حضرت باشد، اما سرانجام ابوبکر مسئولیت این امر را به عهده گرفت و خود را خلیفه رسول الله ﷺ معرفی کرد.^۴

خاورشناسان و دیدگاه شیعه در مورد نص پیامبر ﷺ بر خلافت علی ﷺ

۱. وقتی ابوبکر برای جانشینی پیامبر اسلام ﷺ مطرح شد، چهره‌های انصار و خاندان پیغمبر ﷺ، طبق گفته حسان (شاعر آن زمان)، سیاه شد؛ زیرا حق مسلم آنها برای جانشینی پیامبر گرامی اسلام غصب شده بود.^۵

۱. ایرام لاپیدوس، *تاریخ جوامع اسلامی*، ترجمه علی بختیاری‌زاده، ص ۱۱۳، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲. ویلفرد مادلونگ، *جانشینی حضرت محمد*، ص ۴۳.

۳. ریچارد بوش و دیگران، *جهان مذهبی، [ادیان در جوامع امروز]*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۸۸۵، تهران؛ دفتر نشر فرهنگی و اسلامی، ۱۳۷۸.

۴. همان.

۵. محمدبن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج ۲، ص ۱۹۵، تهران؛ انتشارات اسوه، چاپ پنجم، ۱۳۸۳؛ ویلفرد مادلونگ، *جانشینی حضرت محمد*، ص ۵۸.

۲. حضرت علی علیه السلام در نزد شیعیان احترام ویژه‌ای داشت و آنها مدعی بودند که آن حضرت، جانشین به حق حضرت محمد علیه السلام است و پسرانش حسن و حسین علیهم السلام دو امامی‌اند که می‌باشد جانشین وی می‌شوند.^۱

۳. مکاتب شیعه و سنی در همان اوایل تاریخ اسلام، از هم‌دیگر جدا گردیدند و هر کدام دارای عقاید و افکار متصاد هم شدند. شیعیان براین باورند که حضرت علی علیه السلام خلیفه واقعی و برحق پیامبر اسلام است. چون او از خانواده حضرت محمد علیه السلام و نزدیک‌ترین فرد به او بود، بیشتر و بهتر از همه دارای صلاحیت جانشینی رسول خدا علیه السلام است و لیاقت رهبری جامعه مسلمانان را دارد.^۲

۴. شیعیان امیرمؤمنان را تنها به حضرت علی علیه السلام نسبت می‌دهند و دوران حکومت چهار سال و اندی امام علی علیه السلام را حکومت مشروع پس از حکومت خاتم الانبیا می‌دانند، و خلفای دیگر را غاصب می‌نامند.^۳

۵. امامت باید در خاندان آل علی علیه السلام و فاطمه علیهم السلام تا روز قیامت استمرار یابد و هر امام جانشین خود را تعیین نماید و این کار هم انجام گرفته است.^۴ خداوند پس از انتخاب علی علیه السلام به جانشینی پیامبر اسلام، آیه اکمال را نازل فرمود:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَثْمَنْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۵

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین [جاودان] شما پذیرفتم.

عر شیعیان عقیده دارند که رسول خدا علیه السلام می‌خواست حضرت علی علیه السلام را جانشین خویش و حاکم مسلمانان معرفی نماید، اما موفق به این کار نشد. از طرفی خداوند به پیامبرش دستور داده بود که علی علیه السلام باید ولايت داشته باشد:^۶

۱. محمود تقی‌زاده داوری، تصویر شیعه به نقل از دایرة المعارف امریکانا، ص ۲۹۹، تهران: انتشارات سپهر، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲. رابرت هیوم، ادبیات زنده جهان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۳۲۵، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۳. هاینس هالم، تشیع، ص ۳۱.

۴. ان. کی. اس. لمبیون، دولت و حکومت در اسلام، ص ۵۵۸.

۵. سوره مائدہ، آیه ۳.

عر کارن آرمسترانگ، خلاصه اسلامی از ابراهیم تاکنوون، ترجمه محسن سپهر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۵، چاپ چهارم، ص ۱۸۶؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۹-۴۰۵.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَذْنِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ^١

سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

پیامبر ﷺ فرمود:

يا على انت خليفي على امتي في حيوي و بعد موتي وانت مني كشيش من
آدم عليهما السلام وksam من نوح عليهما السلام؛^٢

ای علی، تو جانشین من در بین امت من هستی در زندگی و پس از زندگی ام، و تو مثل شیخ نسبت به آدم و مثل سام نسبت به نوح هستی.

۷. نگرش اهل تشیع بر این است که از حق خلافت امامان باید دفاع شود. امام صادق علیه السلام می فرماید:

خلافت و فرمان روای حقیقی جامعه اسلامی بنابری نص رسول اکرم ﷺ از آن خاندان علی ﷺ است و طبق همین نص، امام از دانش باطنی و اقدار منحصر به فرد پرخوردار است.

لذا شیعیان بر این امید بودند که خاندان امام علی علیهم السلام زمام امور مسلمانان را به دست گیرند. و آنها مدعی بودند که خلافت، حق خاندان آن حضرت است که برای تعلیم اسلام و حکومت ب امت اسلام. توسط خداماند ب گزینه شده اند.^۳

۸ شیعه عقیده دارد که پیغمبر اسلام، علی علیہ السلام را آشکارا به جانشینی خویش در رهبری ملت و حکومت و پیش برد کارهایشان برگزیده است. پس از او نیز فرزندان آن حضرت وصی بعد از خود را معرفی و تعیین می کردند که این کار به ترتیبی بوده که خدا خواسته است؛ زیرا شیعیان امامت و خلافت را امر الهی می دانند. لذا خداوند این ترتیب را از قبل برای هر دورانی مقرر فرموده و پیامبر نیز بر آن سنت الهی در برقراری مقام حکومت و ولایت امور مردم، اقدام کرده است.^۴ طرفداران حضرت علی علیہ السلام فرست نیافتنند، تا حرف خود را به گوش مردم برسانند و علی علیہ السلام را خلیفه بالافق پیامبر علیہ السلام

۱. سو، ه مائده، آله

٢. شیخ صدّوّة، امالي، ص ٣٦٧-٤٠٧.

^٣ ابن الأسماء، تأثیر حجـة العـاصـمة إسلامـ، صـ ١١٤-١٧.

معرفی کنند تا این که عثمان خلیفه سوم، به دست مخالفان خود کشته شد و علی علی‌الله به عنوان خلیفه چهارم انتخاب گشت. ایشان پس از خلیفه شدن، با مشکلات و جنگ‌هایی روبرو گردید؛ از جمله معاویه، قاتلان عثمان را از ایشان طلب کرد.^۱

۹. خاتمالانبیا از طریق نص حضرت علی علی‌الله را وصی و خلیفه خود تعیین فرمود و مردم با روی‌گردانی از او و پذیرفتن ابوبکر به عنوان خلیفه، به ارتداد گرایدند.^۲

۱۰. شیعیان، علی علی‌الله را تنها جانشین مشروع و بحق پیامبر اعظم صلوات‌الله‌عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تلقی می‌کردند؛ زیرا بر مبنای نص، او از طرف رسول خدا انتخاب شده بود. از دید آنان، امامت که ادامه‌دهنده رسالت است، به هریک از اولاد مستقیم پیامبر اسلام تعلق دارد که از صلب حسین علی‌الله به وسیله سلف خود تعیین شده باشد.^۳

۱۱. علی علی‌الله پسرعمو و داماد پیغمبر صلوات‌الله‌عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود و نیز از اولین مسلمانان به حساب می‌آمد. خود حضرت با اشاره به نزدیکی و خویشاوندی ای نزدیکی که با رسول خدا داشت، خلافت را پذیرفت و با استناد به علاقه‌مندی و دل‌بستگی ویژه خود به پیامبر خدا و اسلام، خود را شایسته خلافت می‌دانست.^۴

۱۲. مخالفت شیعیان با خلافت خلفای سه‌گانه، جنبه و ریشه مذهبی دارد. و آنها می‌گفتند: یگانه رهبر قانونی مسلمانان از نظر دینی و دنیاگی پس از حضرت محمد صلوات‌الله‌عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید امام معصوم باشد که این سمت را خداوند به او تفویض کرده، نه هر کسی که به کرسی خلافت نشینید و قدرت را از راه انتخاب مسلمانان به دست آورد؛ در حالی که انتخاب هم نبوده است. شیعیان معتقد بودند که در هر زمانی، باید از بزرگ خاندان پیامبر صلوات‌الله‌عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که با امام ملقب است، پیروی کرد، نه ازدیگران. علی علی‌الله اولین آن امامان است و پس از او، جانشینان قانونی اش که به عنوان امامت، حق فرمان روایی بر دیگر مسلمانان را دارند. آنها نیز از نسل فاطمه علی‌الله و نوادگان رسول اکرم صلوات‌الله‌عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حسن و حسین علی‌الله هستند.^۵

۱۳. امامیه عقیده دارند که امامت را خداوند واجب فرموده، لذا انتخاب آن از طرف گروه و شورا ممکن نیست. از طرفی هم نیاز به امام و پیشوای همیشگی است، چون او فقط رهبر

۱. همان، ص ۴۴۰.

۲. ان. کی. اس. لمبتوون، دولت و حکومت در اسلام، ص ۵۵۷.

۳. آنتونی بلک، تاریخ اندیشه سیاسی اسلام از عصر پیامبر صلوات‌الله‌عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا امروز، ترجمه محمدحسین وقار، ص ۲۵، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۴. ایرام لاپیدوس، تاریخ جوامع اسلامی، ص ۱۰۲.

۵. گلزاری‌پر، درس‌هایی درباره اسلام، ص ۴۴۸.

معصوم و هدایت یافته است، - چه در بین پیروان خود باشد و چه در غیبت به سر برد- به هر حال او وصی خاتم الانبیاست؛ زیرا فقط امام در همه گفتار و اعمال معصومیت دارد. تنها فرق بین پیامبر و امام این است که امام حامل وحی الهی نیست، ولی بدون کم و کاست ادامه دهنده راه پیغمبر است. به همین جهت، بی توجهی به امام و یا مخالفت با او که از طرف خدا به وسیله رسولش منصوب شده، بی توجهی به رسول خدا و موجب کفر است.^۱

۱۴. شیعیان ادله فراوانی برحقانیت علی ﷺ در امر خلافت ایشان اقامه می کنند؛ از جمله این که خدا و پیغمبر ﷺ ممکن نیست که چنین مسأله مهمی را به اختیار و تصمیم امت بگذارند. علاوه برآن، بعد از علی ﷺ، جانشینی باید به دست فرزندان آن حضرت، از بطن فاطمه علیها السلام ادامه یابد که حسن و حسین علیهم السلام هسته مرکزی حکومت الهی و خلیفه رسول خدا در روی زمین هستند.^۲

۱۵. پس از قتل عثمان علی عليه السلام به خلافت رسید آن هم نه به دلیل نص و نه به دلیل هیچ اصل مورثی، بلکه به عنوان نامزد آنسته از مسلمانان که خواستار حکومت اصیل اسلامی به منظور دستیابی دو باره به قدرت برتر، در مقابل نفوذ طبقه اشراف مکه و شرکای شامی آن بود.^۳

۱۶. از نظر شیعیان، علی عليه السلام به ادله مختلف، خلیفه و جانشین حضرت محمد صلوات الله عليه وآله وسالم است؛ زیرا پسرعمو، داماد و اولین فرد از مردان بود که پیامبر را در امر دین تصدیق کرد. او از کودکی در کنار حضرت رسول بود و پیامبر در تربیت علی عليه السلام نقش مستقیم و اساسی داشت. از این رو، او را جانشین خود برگزید. ابوبکر که در ساقیه با حمایت اکثر صحابه خلیفه گردید، در واقع مقام برحق علی عليه السلام را غصب نمود.^۴

۱۷. عثمان به سبب کارهای خلاف خود، در سال ۳۵ هجری، به دست ناراضیان مسلمان و مصریان کشته شد. بعد از او، علی عليه السلام به خلافت رسید که به اعتقاد شیعیان، وی جانشین برحق پیامبر اسلام بود.^۵

۱. ان. کی. اس. لمبتوون، دولت و حکومت در اسلام، ص ۵۵۶.

۲. فیلیپ خوری حتی، شرق نزدیک در تاریخ، ص ۲۲۴.

۳. هاینس هالم، تشیع، ص ۲۹.

۴. ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد صلوات الله عليه وآله وسالم ، ص ۱۳.

۵. آنه ماری شیمل، محمد رسول خدا ، ص ۲۷.

۱۸. شیعه به عنوان یک جنبش سیاسی، در میان خود اعراب پیدا شد که حمایت خود را از علی علیه السلام اعلام کردند. خلیفه چهارم اسلام، مرکز خلافت خود را در کوفه واقع در عراق فعلی قرار داد. پس از شهادت علی علیه السلام، مرکز سیاسی اسلام به سوریه منتقل شد و مخالفت ناراضیان سوریه، رنگ آشوب و شورش هواداران حق موروشی خلافت را به خود گرفت که هدفشنan بازگشت خاندان علی علیه السلام به خلافت بود. به تدریج این سازمان سیاسی، برای خود پایه‌ای اعتقادی به وجود آورد که مخالف عقاید مورد قبول عامه (أهل سنت) بود؛ یعنی حق انحصاری خاندان علی علیه السلام در مورد خلافت.^۱

۱۹. شیعیان خلافت سه خلیفه اول را قانونی نمی‌دانستند، بلکه عقیده داشتند که حضرت علی علیه السلام تنها جانشین قانونی پیامبر اعظم صلوات الله علیه و آله و سلم است که توسط ایشان به عنوان امام و خلیفه برگزیده شده بود.^۲ حضرت علی علیه السلام از خاندان قریش، از نخستین ایمان‌آورندگان به پیامبر و دین اسلام و نیز پسرعمو و شوهر یگانه دختر رسول خدا حضرت فاطمه زهرا رض بود که خلافت را حق خویش می‌دانست، گرچه ایشان هنگامی که خلافت را به دست گرفت در این زمینه با مخالفت دو گروه رو به رو شد: گروه اول خویشاوندان عثمان و گروه دوم کسانی بودند که ایشان را شایسته مقام خلافت نمی‌دانستند. تلاش برای کسب قدرت به نقاط مختلف کشیده شد و علی علیه السلام مخالفان خلافت را شکست داد، ولی بعداً با مخالفت معاویه رو به رو گردید.^۳

۲۰. پیامبر اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم در سال دهم هجری، علی علیه السلام را به نمایندگی از طرف خود به یمن فرستاد. رفتار حضرت در آن جا ناراضیاتی عده‌ای از سربازان را باعث گردید. آنها پس از بازگشت به محض رسالت خدا شکایت کردند، اما پیامبر خدا بر خلاف تصور آنها، درست سه ماه قبل از رحلت خویش، لازم دید که در اجتماع عظیمی به حمایت از پسرعموی خود علی، سخن بگوید. ظاهرآ آن هنگام وقت مناسبی نبود که علی علیه السلام را به جانشین خود منصوب کند.^۴

۲۱. هنگامی که پیامبر خدا قلم و دوات خواست تا چیزی بنویسد، عمر مانع آن شد. تصور می‌شود پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم قصد داشت علی علیه السلام را به جانشینی خود تعیین فرماید. تعبیر

۱. همیلتون گیپ، اسلام بررسی تاریخی، ترجمه منوچهر امیری، ص ۱۳۹، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۲. آلبرت حورانی، تاریخ مردمان عرب، ترجمه فرید جواهر کلام، ص ۴۹، تهران، سپهر، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۳. همان، ص ۹۸.

۴. ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد صلوات الله علیه و آله و سلم، ص ۳۴.

شیعیان از این روایت همیشه این چنین بوده است، یعنی این که محمد ﷺ می خواست
علی ﷺ را خلیفه معرفی نماید.^۱

۲۲. کسانی که به علی ﷺ علاقه مند بودند، ادعا داشتند که او باید نخستین خلیفه
مسلمانان و جانشین پیامبر مکرم اسلام ﷺ باشد؛ زیرا علی ﷺ و فاطمه زینب و فرزندان
آنها حسن و حسین ﷺ در کنار رسول خدا، «پنج تن آل عبا» را تشکیل می دهند. از روایات
اسلامی به دست می آید که پیامبر اسلام روزی آنان را زیر ردای خود قرار داد تا نشان
دهد که دل در گرو مهرشان دارد و آنها اهل بیت پیغمبر ﷺ گفته می شوند. این مطلب از
قرآن از سوره احزاب^۲ آیه ۳۳ گرفته شده است.^۳ عارف بزرگ اهل تسنن، حلاج(حسین بن
منصور بیضاوی از بزرگان عرفای صوفیه می گوید:

خداآوند هیچ خلقی دوست داشتنی تر از محمد ﷺ و عترت او - صلوات الله عليهم
اجمعین - نیافرید.^۴

۲۳. طبق عقاید شیعه، حضرت محمد ﷺ پیش از رحلت، علی بن ابی طالب ﷺ پسرعمو
و داماد خویش را امام به حق(منصوص) از جانب خداوند به ولایت و جانشینی خود برای
مسلمانان برگزید و او را مولای متقيان و امیرمؤمنان لقب داد. او می دانست که تنها
حضرت علی ﷺ می تواند از دین محافظت کند و آن را گسترش دهد. شیعیان معتقدند که
خلافت، امری الهی است و خلیفه پیامبر را باید خداوند انتخاب و معرفی فرماید. اما اهل
سنّت، خلافت را امری دنیوی می دانند و بر این باورند که هر کس می تواند خلیفه شود، به
شرط این که عده‌ای او را برگزینند.^۵

۲۴. شیعیان عقیده دارند که پس از رحلت پیامبر اعظم ﷺ علی بن ابی طالب ﷺ تنها
خلیفه بر حق و جانشین بلافضل رسول خدا است.^۶ به باور آنها، حضرت محمد ﷺ در

۱. محمدجواد محمودی، ترتیب الامال، ص ۵۸۵، قم؛ بنیاد و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق/۱۳۷۶ش؛ ویلفرد
مادلونگ، جانشینی حضرت محمد، ص ۴۴؛ ابوالحسن مسلم بن حجاج نشابوری، صحیح مسلم، ص ۴۵۵، لبنان،
بیروت، عزالدین، چاپ اول، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۴،
ص ۱۳۲۰، تهران؛ اساطیر، چاپ ششم، ۱۳۸۵؛ عزالدین بن اثیر، تاریخ کامل، ترجمه سید محمدحسین روحانی،
ج ۳، ص ۱۱۹۳، تهران؛ اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۷۱؛ طبقات الکبری، ص ۱۹۶.

۲. «وَقَرْنَ فِي بُوْتَكْنَ وَلَا تَبَرْجَنْ تَبَرْجَ الْجَاهِلَةَ الْأَوَّلَيْ وَأَقْمَنَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْنَ الزُّكَّاةَ وَأَطْفَلَ اللَّهَ وَرَسُوْلَهُ إِنْمَا يُرِيدُ اللَّهُ
يُلْذِهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُنْظِهِكُمْ تَطْهِيرًا» (۳۳)

۳. آنه ماری شیمل، محمد رسول الله ص ۱۲.

۴. همان، ص ۳۲.

۵. جان بایرنناس، تاریخ جامع ادبیان، ص ۷۶۷
ع آنه ماری شیمل، محمد رسول الله، ص ۲۸.

آخرین سال زندگی خود در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری، در اجتماعی بزرگ که در کنار برکه غدیر به دستور پیامبر خدا برپاشد، علی علیه السلام را جانشین خویش معرفی فرمود.^۱ به عقیده این فرقه از مسلمانان، جانشینان واقعی پیامبر اسلام علی علیه السلام و اولاد آن حضرت هستند.^۲

۲۵. شیعیان بی شک حضرت علی علیه السلام را جانشین منحصر به فرد پیامبر اسلام می دانند. در نظر این فرقه، حضرت علی علیه السلام مظہر و نمونه قدرت ربی و رسول اکرمش بود.^۳

۲۶. به عقیده شیعیان، پیامبر اعظم علیه السلام قصد داشت جانشین خود را به داماد و پسرعمویش علی بن ابی طالب علیه السلام واگذار نماید که این کار در آخرین بیماری حضرت انجام نشد.^۴

۲۷. شیعیان علاوه بر این که جانشینی پیامبر اعظم علیه السلام را منصبی الهی می دانند، عقیده دارند که تنها علی علیه السلام و فرزندانش می توانند امامت و رهبری جامعه را عهده دار شوند. از طرفی هم پسران پیامبر اسلام علیه السلام در کودکی از دنیا رفته بودند، پس خلافت و جانشینی حضرت محمد علیه السلام به علی علیه السلام و اولاد او منتقل می شود که از آن خود حضرت شروع و به امام دوازدهم علیه السلام ختم می گردد.^۵

۲۸. علی بن ابی طالب علیه السلام آخرین فرد از خلفای راشدین بود که از سه جهت با پیامبر اسلام نسبت داشت: پسرعموی رسول خدا، داماد او و از طرفی هم برادر رضاعی وی بود. بنابراین برخی افراد پرهیز کار که بعداً هسته شیعه علی علیه السلام را به وجود آوردند؛ وی را شایسته ترین جانشین و وارث، پیامبر می دانستند.^۶

۲۹. مساقی بن عبدالله مخرم عامری قریشی نقل می کند که او و گروهی از قریشیان، از جمله مروان بن حکم، تصمیم گرفتند تا به محضر مبارک علی علیه السلام رفته، و برای شورشی که علیه آن حضرت ترتیب داده بودند، عذرخواهی نمایند؛ زیرا پی برده بودند که او شریفترین و بخشندۀ ترین مردم پس از رسول خداست. آنان قبول داشتند که به علی علیه السلام

۱. همان، ص ۲۹.

۲. کارن آرمسترانگ، زندگی نامه پیامبر اسلام محمد علیه السلام، ترجمه کیانوش حشمتی، ص ۳۵۴، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۳. فیلیپ خوری حتی، شرق نزدیک در تاریخ، ص ۴۸۹.

۴. محمود تقیزاده داوری و دیگران، تصویر امامان شیعه به نقل از دایره المعارف اسلام، ص ۲۱، قم: انتشارات شیعه‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۵. کارن آرمسترانگ، خداشناسی از ابراهیم تاکنون، ص ۱۹۰.

۶. کلیفورد ادموند باسورث، سلسله‌های اسلام جدید، ترجمه دکتر فریدون بدراهی، ص ۳۶، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ اول، ۱۳۸۱.

ظلم کرده‌اند، حضرت علی نیز آنها را به حضور خود پذیرفت و از آنها سؤال کرد: «آیا من نزدیک‌ترین مردان به پیامبر و پس از رسول خدا شایسته‌ترین آن‌ها در حکومت بر مردم نبودم؟» همه گفتند: «بلی همان‌گونه است که شما می‌فرمایید.» حضرت فرمود: «پس چرا از من روی گردانید و با ابوبکر و پس از او با عمر و عثمان و در آخر با من بیعت کردید؟» مساحق می‌گوید: چون جواب نداشتیم، از حضرت خواستیم که با ما مثل یوسف در مقابل برادرانش، رفتار کند و او هم چنین کرد و ما را بخشید و ما با او بیعت کردیم.^۱

شیعه، یک نهضت فکری و سیاسی

تشیع و شیعه در روزگار خود پیامبر ﷺ وجود داشته است، البته نه به شکل فعلی آن. و آن هنگامی بوده که گروهی از افراد از جمله سلمان فارسی، مقداد، ابوذر غفاری و عمار یاسر، به شیعیان آن حضرت و یا به شیعه علی علیله معروف بودند، گرچه ریشه شیعه پس از رحلت رسول خدا علیله بیشتر متجلی شد؛ زیرا عده‌ای از صحابه پیامبر در سقیفه بنی‌سعده گرد هم آمدند و ابوبکر را به عنوان جانشین رسول خدا علیله انتخاب کردند. این انتخاب خیلی شتاب‌زده صورت گرفت چون رقابت شدیدی بین انصار و مهارجران، بر سر خلافت وجود داشت و از طرفی هم علی علیله که نزدیک‌ترین فامیل پیغمبر بود، در این انتخاب حضور نداشت، بلکه او در خانه رسول خدا و در کنار جسد آن حضرت بود. چرا کسی را دنبال علی علیله نفرستادند تا ایشان نیز در سقیفه حاضر شود و اظهار نظر نماید؟ دلیل آن واضح است، چون در همان جمع عده‌ای گفتند که ما به جز علی علیله با کسی دیگر بیعت نمی‌کنیم.^۲

برخی از تاریخ‌نگاران و دانشمندان نوشته‌اند که پیدایش شیعه و لفظ شیعه به زمان خود پیامبر ﷺ بر می‌گردد؛ زیرا کسانی چون سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد، عمار یاسر و... به این نام شناخته می‌شدند. روایات متعددی از اهل سنت نقل شده که پیامبر اسلام تعبیر شیعه علی علیله را به کار برده است. یکی از نویسنده‌گان برجسته اهل سنت در این‌باره تصویری می‌کند که گروهی از بزرگان صحابه در زمان خود خاتم الانبیا به ولایت و دوستی علی علیله معروف بودند.^۳ لذا قرآن کریم می‌فرماید:

۱. امام علی علیله از نگاه دانش‌وران، ج ۳، ص ۴۳۹.

۲. آریانا آرلانی، نخستین اندیشه‌های شیعی تعالیم امام محمد باقر علیله، ترجمه بدراهی، ص ۹۰، تهران: انتشارات فروزان، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۳. شیخ صدق، صفات شیعه، ص ۲، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی طوبای محبت، چاپ سوم، ۱۳۸۴؛ آن‌کی. اس، لمبتوون، دولت و حکومت در اسلام، ص ۵۳۱.

۱. سوره بینه، آیه ۷.

۲. دولت و حکومت در اسلام، ص ۵۳۲.

۳. نیومن اندروجی، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، ترجمه مهدی ابوطالبی و دیگران، ص ۹۸، قسم: مؤسسه شیعه‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴. مهدی مهریزی و هادی ربانی، امام علی ﷺ از تکاهه دانش‌وران، ج ۳، ص ۳۴۸، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمُ خَيْرُ الْبَرِّيَّةِ»^۱
 کسانی که ایمان اوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات خدایند.

رسول خدا ﷺ به علیؑ فرمود:

منظور از «خیرالبریه» تو و شیعیان است.

شیعه در آغاز پیدایش خود، تنها یک حرکت و نهضتی سیاسی به طرفداری از اجرای درست قانون اسلامی بود و رهبری جامعه مسلمانان را حق علیؑ و فرزندان او می‌پندشت.^۲

دیدگاه خاورشناسان درباره برتری علیؑ

۱. مأمون عباسی با سپردن ولی‌عهدی خود به حضرت امام رضا علیؑ نشان داد که رهبری امت مسلمان پس از رسول خدا ﷺ بدوش علیؑ بود که شایستگی خلافت را داشت؛ زیرا مأمون تأکید می‌کرد که علیؑ بهترین امام بود. لازمه این حرف آن است که او بهترین خلیفه نیز بوده است. این خلیفه عباسی در سال ۲۱۲ قمری، برتری علیؑ را بر خلفاً و اصحاب دیگر پس از پیامبر اعظم ﷺ رسماً اعلام کرد.^۳

علیؑ تنها کسی بود که دوش به دوش پیامبر خدا در همه عرصه‌ها از جمله در عرصه‌های جنگی شجاعانه می‌جنگید و ، کارهای فوق العاده از خود نشان می‌داد. او یکه تاز میدان کارزار به حساب می‌آمد در جنگ بدر، درحالی که حضرت بیست سال بیشتر نداشت، قهرمانان قریش را با یک ضربت دو نیم می‌کرد؛ در هجوم به قلعه خیر که یهودیان عهدشکن در آن به سر می‌بردند، درب آهنین معروف را از جا کنده، با یک دست مثل سپر از آن استفاده کرد. پیغمبر اسلام او را به سبب شایستگی و اخلاصش خیلی دوست می‌داشت و اطمینان کامل به او داشت.^۴

ما نمی‌توانیم درباره فضایل علیؑ چیزی بگوییم، جز آن که او را دوست بداریم و به او عشق بورزیم؛ زیرا او جوان مردی بس عالی قدر و بزرگ نفس بود. از سرچشمه وجود انسان

۱. سوره بینه، آیه ۷.

۲. دولت و حکومت در اسلام، ص ۵۳۲.

۳. نیومن اندروجی، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، ترجمه مهدی ابوطالبی و دیگران، ص ۹۸، قسم: مؤسسه شیعه‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴. مهدی مهریزی و هادی ربانی، امام علیؑ از تکاهه دانش‌وران، ج ۳، ص ۳۴۸، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

خیر و نیکی می‌جوشید؛ از دلش شعله‌های شور و حماسه زبانه می‌زد؛ شجاع‌تر از شیر ژیان بود، ولی شجاعتش ممزوج با لطف و رحمت بود؛ او با عواطف و رافت بود؛ در کوفه غافل‌گیر و کشته شد؛ شدت عدلش موجب این جنایت گردید، چنان‌که او هر کسی را مانند خود عادل می‌دید.^۱

خیر نام ناحیه‌ای است بر سرراه مدینه که دارای هفت قلعه و مزارع و نخلستان بوده و در سال هفتم هجری به دست پیغمبر اسلام گشوده شد و دارای در بزرگی بود که طبق قول مشهور، علی بن ابی طالب علی‌الله آن را از جا کند و بر روی خندق گذاشت که همه لشکر از خندق بگذشتند.^۲

۲. فتح قلعه یهودی‌نشین خیر که علی علی‌الله نقشی اصلی را ایفا کرد، موضوعی را به وجود آورد که پس از آن در اشعار مذهبی مکرر آمده و در زمینه‌های دیگر نیز غالب به آن اشاره شده است.^۳

درباره فضایل علی علی‌الله زیاد بحث شده و تقریباً مخالفان و موافقان حضرت همه بر فضل حضرت اعتراف کرده‌اند. در ادامه، به چند نمونه از شایستگی و برتری علی علی‌الله اشاره می‌شود:

الف) سابقه ایمان علی علی‌الله

۱. سابقه ایمان یکی از فضایل امیر مؤمنان علی علی‌الله بر دیگران است. در این که حضرت علی علی‌الله در آن وقت چند ساله بوده، اختلاف نظر وجود دارد و از ده تا شانزده سال ذکر کرده‌اند. این خود نیز می‌تواند جزو فضایل علی علی‌الله به حساب آید. آن حضرت هرگز به سنت‌های جاهلی تمایل نداشت و مثل دیگران بت نپرستید. پس از حضرت خدیجه همسر رسول خدا، علی علی‌الله از بین مردان، اولین کسی بود که به پیامبر گرامی اسلام علی‌الله ایمان آورد و بعد از او زید بن حارثه و دختران خاتم الانبیاء، دین اسلام را پذیرفتند.^۴

۱. امیر علی امیری فر، امام علی علی‌الله و قرآن و نهج البلاعه از منظر علی دوستان جهان، ص ۱۳۵، تهران، انتشارات طاووس بهشت، چاپ اول، ۱۳۷۹؛ اسرار آل محمد، ص ۲۹۰.

۲. دهخدا، لغت‌نامه، حرف خ.

۳. آنه ماری شیمل، محمد رسول خدا، ص ۲۲.

۴. کارن آمرستانگ، زندگی نامه پیامبر اسلام محمد علی، ص ۱۳۳؛ سرتomas آرنولد، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه ابوالفضل عزتی، ص ۱۰، تهران: انتشارات دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۵؛ «قال ابن اسحاق: ذکر بعض اهل العلم ان رسول الله کان اذا حضرت الصلاة خرج الى شباب و معه علىٰ فیصلیان فاذا امسیا رجاعا... ابن اسحاق از بعضی دانشمندان نقل کرده که رسول خدا هنگام نماز با علی به طرف نمازخانه خود می‌رفتند و هر روز نماز



۲. رسول خدا علی بن ابی طالب پسر عمومی خود را که از مؤمنان نخستین به شمار می‌آید، در سال قحطی به فرزندی قبول کرده بود.^۱

۳. همه مسلمانان برای علی علیہ السلام نقش مهم و خطیری در تاریخ اسلام قائل هستند و او را صاحب فضل و بزرگواری می‌دانند و هیچ کس منکر این موضوع نیست. برادران اهل سنت که علی را خلیفه چهارم می‌دانند، آن حضرت را قهرمان بزرگ اسلام در جنگ‌های صدر اسلام به حساب می‌آورند؛ که برای بقا و استحکام دین اسلام تلاش ورزید و علاوه بر آن، او را سرچشمۀ علم باطنی و دانش مکنون الهی می‌دانند و نیز تدوین نحو عربی را به علی علیہ السلام نسبت می‌دهند. از این رو، او را صاحب همه فضایل می‌دانند.^۲

پیامبر خدا پس از این که ابوطالب دچار فقر و تنگ‌دستی شد، علی علیہ السلام را به خانه خود برد و در کنار فرزندان و فرزندخوانده خویش زید، به تربیت حضرت پرداخت و با او همانند فرزند خود رفتار می‌کرد. گفتنی است که شخصیت علی علیہ السلام در سایه مهر و محبت و کانون باصفای رسول خدا علیہ السلام تکوین یافت و او همراه زید تا پایان عمر رسول خدا علیہ السلام با کمال صداقت و صفا در کنار ایشان ماند و از بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین شخصیت‌های اسلامی به حساب می‌آمد.

۴. حضرت علی علیہ السلام نخستین مردی بود که به رسول خدا علیہ السلام ایمان آورد و با او نماز خواند و آن‌چه را که برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از طرف خدا نازل شده بود، تصدیق کرد، درحالی که ده ساله بود (در این مورد اقوال مختلف است).^۳

ب) علی همواره در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱. امام علی علیہ السلام از همان ایام کودکی همواره در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و روزبه روز جایگاه وی در نزد خاتم الانبیا بیشتر می‌شد. گفتنی است که یکی از نعمت‌های خداوند بزر

می‌خوانند و شب بر می‌گشتند...»؛ (ذهبی)، سیر اعلام النبلاد، لبنان، بیروت، ج ۲-۱، ص ۸۴ چاپ اول ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م؛ طبقات الکبری، ج ۲، ص ۵۵؛ امامی شیعی تووسی، ص ۲۵۰؛ اسماعیل بن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۳۰، لبنان؛ بیروت، دارالحکایاءتراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م؛ شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۳؛ ابن هشام، زندگانی محمد پیامبر اسلام، ترجمه سیده‌اشام رسولی، ج ۱، ص ۱۶، تهران؛ اسلامیه، [بی‌تا] شیخ مفید، ارشاد، ص ۶؛ جلال الدین سیوطی، تاریخ العالماء، ص ۱۴۹-۲۹؛ محمدبن اسحاق، السیرة الشوییه، ج ۱، ص ۱۸۱، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۴م.

۱ جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۷۱۷.

۲ آرزینا آرلانی، نخستین اندیشه‌های شیعی تعالیم امام محمد باقر علیہ السلام، ص ۱۰.

۳. آف. ای، پیترز، بهودیت، مسیحیت و اسلام، ترجمه حسین توفیقی، ج ۱، ص ۲۹۷، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۴.

حضرت علی علیه السلام این بود که قبل از این که رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم به پیامبری مبعوث شود و دین اسلام را معرفی نماید، در دامن پاک خاتم الانبیا بزرگ شده بود.^۱

۲. پیامبر خدا در حججه الوداع هنگامی که به قربانگاه رفت، ۶۳ شتر را به دست خود قربانی کرد. سپس باقی مانده آن‌ها را برای قربانی، به حضرت علی علیه السلام سپرد و ایشان را در قربانی‌های خود شریک ساخت. بعد تکه‌ای از قربانی را بریدند و در ظرفی پختند و هر دو از آن میل کردند.^۲

۳. پیامبر بزرگ‌وار اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم در سال ۵۹۰ میلادی با خدیجه ازدواج کرد و نتیجه این ازدواج چهار دختر و پسری بهنام قاسم بود که در کودکی از دنیا رفت. پس از وفات قاسم، پیامبر اعظم صلوات الله علیه و آله و سلم از عمومی بزرگ‌وار خویش درخواست کرد که علی علیه السلام را به او بسپارد و عمومیش نیز این درخواست را پذیرفت و از همان زمان نه‌سالگی، شریک زندگانی خاتم الانبیا شد، و خود را برای مأموریت خطیر اسلامی که از جانب خداوند به دوش پیامبر اسلام گذاشته شده بود، آماده ساخت، تا حضرت را در تمام قضایا یاری رساند.^۳

۴. معتقدان به کعبه روزی دیدند که پیامبرا کرم به همراه همسرش و علی علیه السلام وارد خانه خدا شدند و در برابر حجرالاسود سر تعظیم فرود آوردن و با کمال بی‌احترامی در مقابل بت‌ها به ذکر: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، مشغول شدند. همه از گفتن این اذکار در حیرت ماندند. اذکار مذکور به طور عجیبی در مکه طینی انداز گردید.^۴

۵. برخی از تاریخ‌نویسان خاورشناس گفته‌اند: در این که از بین یاران پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم چه کسی اول به پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم ایمان آورد، اختلاف نظر وجود دارد. که بعضی عقیده دارند، علی علیه السلام و پس از او زید و در مرتبه بعدی ابوبکر ایمان آورده‌اند، ولی بعضی دیگر ادعا کرده‌اند که ابوبکر اول ایمان آورد، این عقیده از جهات مختلف بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا در «انذار عشیره» ابوبکر وجود نداشت و حضرت علی علیه السلام به عنوان فردی که اول به پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم ایمان آورده، از بین سران قبیله به عنوان جانشین حضرت برگزیده شد.^۵

۱. همان.

۲. مسعودی، مروج اللہ هب، ج اول، ص ۴۴۵، لبنان: بیروت، دارالاحیاء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۲م؛ یهودیت، مسیحیت و اسلام، ص ۱۸۹.

۳. امام علی علیه السلام از نگاه دانش‌وران، ص ۳۶۲.

۴. همان، ص ۲۶۳.

۵. مینو صمیمی، محمد در اروپا، ترجمه عباس مهریوی، ص ۷۱-۷۲، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۶ درباره این که اولین بار از مردان چه کسی به پیامبر اعظم ﷺ ایمان آورد، از زمان قدیم اختلاف نظر بوده است.^۱ بعضی عقیده دارند نخستین مردی که به پیامبر اسلام ایمان آورد، علی ﷺ عموزاده رسول خدا بود. در زمان خشکسالی حضرت محمد ﷺ او را به خانه خود برد و از او نگهداری می‌کرد. این ادعا ممکن است حقیقت داشته باشد، ولی دارای اهمیت چندانی نیست، چون در آن وقت علی ﷺ بیش از نه یا ده سال نداشته است.^۲

۷. عده‌ای دیگر نیز به یکی از اعضای خانواده رسول خدا نظر دارند. او زید بن حارثه غلام خدیجه و آزاد شده رسول خدا و پسر خوانده حضرت محمد ﷺ است.^۳

۸. هنگامی که رسول خدا دعوت مخفیانه داشت، اولین کسی که به خاتم الانبیا ایمان آورد، همسرش خدیجه بود و بعد از او پسرعمویش علی ﷺ ایمان آورد که رسول خدا او را چون فرزند خود می‌دانست.^۴ مسلمان بعدی و یا سومین مسلمان از حیث ردیف ایمان آوردن به پیامبر اسلام ﷺ زید، غلام حضرت است. پس از این که خدیجه، علی و زید به پیغمبر ﷺ ایمان آورند، دیگر کسی حاضر نشد که دین اسلام را بپذیرد.^۵ ابوبکر را که عده‌ای ادعا می‌کنند اولین شخص از مردان بوده که به دین اسلام گروید، در سال ۶۱۳ میلادی ایمان آورد؛ یعنی حدود سه سال بعد از ایمان آوردن علی و تعداد مسلمانان به چهار نفر رسید.^۶

۹. علی ﷺ فضایلی داشت که دیگران از آن بی‌بهره بودند و پیامبر خدا نیز با داشتن آنها علی ﷺ را بر دیگران ترجیح می‌داد. رسول خدا به علی ﷺ حق رهبری و امامت مسلمانان را از طریق نص عطا فرمود که پس از حضرت علی ﷺ به فرزندانش رسید که انسنل فاطمه هستند. این که رسول خدا ﷺ به علی ﷺ عشق می‌ورزید و او را دوست می‌داشت، بر کسی پوشیده نبود؛ زیرا اولین فرد از مردان بود که به پیامبر ایمان آورد و از طرفی هم رسول خدا ﷺ برای انجام دادن بخشی از کارهای مهم، او را فقط برمی‌گزید و

۱. مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاست‌مدار، زیر نظر اسماعیل والیزاده، ص ۴۵، تهران، چاپ اسلامیه، ۱۳۴۴.

۲. همان، ص ۴۵.

۳. شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۱؛ محمد پیامبر و سیاست‌مدار، ص ۴۵.

۴. ویرژیل گیورگیو، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، ص ۷۲، تهران، چاپ خانه سپه، ۱۳۴۳.

۵. همان، ص ۷۲.

۶. همان، ص ۲۷.

انجام دادن آن کارها را به دیگران نمی‌سپرد؛ زیرا آن قدر اطمینانی که به علی^{علیه السلام} داشت، به دیگران نداشت.^۱

۱۰. اولین فردی که به پیامبر اسلام^{علیه السلام} ایمان آورد، همسرش خدیجه بود که محروم و رازدار و نیز مطمئن‌ترین پشتیبان آن حضرت بود و پس از او علی^{علیه السلام}، ابوبکر، زید و دیگران ایمان آورند.^۲

بنابراین از ادله و شواهد این‌گونه استنباط می‌شود که حضرت علی^{علیه السلام} از نظر ایمان آوردن، نفر اول بوده و شباهه ایجاد کردن در این موضوع، سرپوش گذاشتن بر حقانیت جانشینی اوست.

ج) علی و لیلةالمبیت

۱. پیامبر خدا^{علیه السلام} در تبلیغ دین اسلام هرگز احساس خستگی نمی‌کرد، زیرا به آینده خود امیدوار بود. بدین‌جهت، پس از برگشتن از طایف، نخستین جرقه امید و نوری که در تاریکی به پیامبر تابید، واقعه‌ای بود که در فصل زیارت خانه خدا (در تابستان ۲۰۰۰) رخداد و حضرت محمد^{علیه السلام} با بعضی از زایرین کعبه ملاقات و زمینه رفتن خود و دیگر مسلمانان را به مدینه فراهم ساخت. یکی از علت‌هایی که اهل مدینه مسلمانان را پذیرفتند، جنگ‌های طولانی بود که بین دو قوم اوس و خزرج به وجود آمده بود. از طرفی هم کفار مکه از هر قبیله یک تن، هم‌پیمان شده بودند تا پیامبر اعظم^{علیه السلام} را ترور کنند، ولی این نقشه عقیم ماند؛ چون پیامبر اسلام^{علیه السلام} از طرف خداوند آگاهی یافت و شبانه مکه را به قصد مدینه ترک گفت و علی^{علیه السلام} را سر جای خود خوابانید. هنگامی که کفار، علی^{علیه السلام} را در بستر پیامبر دیدند، متحریر شدند.^۳

۲. پس از آن که تمام نیرنگ‌ها و فریب‌های سران کفر نقش برآب شد و نتوانستند پیامبر خدا^{علیه السلام} را از تبلیغ رسالت بازدارند، در دارالتدوه(محل اجتماع) گرد هم آمدند تا درباره رسول خدا^{علیه السلام} تصمیم نهایی و جدی بگیرند. ابوجهل پیشنهاد داد که از هر قبیله، یک جوان برومند و قهرمان انتخاب شود تا شبانه و دسته‌جمعی به خانه حضرت محمد^{علیه السلام} هجوم آورند و او را به قتل برسانند تا از خون ریزی قبیلگی جلوگیری گردد و از طرفی هم

۱. نخستین اندیشه‌های شیعی تعالیم امام محمد باقر^{علیه السلام}، ص ۱۱.

۲. امالی، ص ۲۴۶؛ میکل آندره، اسلام و تمدن اسلام، ترجمه حسن فروغی، ص ۷۶ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۳. مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاست‌مدار، ص ۱۰۶-۱۱۴؛ سیر اعلام النبلا، ج ۱-۲، ص ۲۱۹.

خانواده پیامبر ﷺ (بنی هاشم) چاره‌ای جز گرفتن خون بها نداشته باشند؛ زیرا آن‌ها نمی‌توانستند با تمام قبایل درگیر شوند و بجنگند. اما این گروه غافل از این بودند که خداوند رسولش را به وسیله پیک خویش از این توطئه آگاه کرده است. پیامبر اکرم ﷺ به علی ؑ مأموریت داد که در بستر او بخوابید و لباسش را بر تن کند تا دشمن متوجه غیبت رسول خدا نگردد. علی ؑ فرمود: «اگر این کار من جان شما را نجات می‌دهد، به این کار تن می‌دهم.» در حقیقت، جان‌فشنای علی ؑ باعث نجات جان پیامبر ﷺ گردید.^۱

تفسران شیعه معتقدند، پس از این‌که آن حضرت در بستر رسول خدا خوابید و جان‌فشنای کرد، خداوند متعال این آیه را در شأن امیرمؤمنان علی ؑ نازل فرمود:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أَبْغَاءَ مَرْضَأَ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾^۲

بعضی از مردم [با ایمان و فدایکار، همچون علی ؑ] به هنگام خفتن در جایگاه پیامبر] جان خود را برای خشنودی خدا می‌فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

۳. پس از کشته شدن عثمان به دست شورشیان و مخالفانش، امیرمؤمنان علی ؑ به خلافت رسید، در حالی که ایشان داماد و پسرعموی رسول خدا و از نزدیک‌ترین افراد خانواده حضرت محمد ﷺ به شمار می‌رفت. او نخستین کسی بود که به خاتمه‌الانبیا ایمان آورد و رسالت او را تصدیق و اعلام جان‌فشنای کرد. علی ؑ مدعی بود که خلافت او بر اساس نزدیکی ایشان از نظر خانوادگی به رسول خدا ؑ است. از طرفی هم علی ؑ طی چند دهه که خلفای قبل از آن حضرت بر سرکار بودند می‌فرمود: به جهت فدارکاری‌ها و رشادت‌هایی که من در راه گسترش و حفظ دین کرده‌ام، خلافت باید مال من باشد به علاوه، رسول خدا هم بر این امر تأکید کرده و خلافت را برای او تعیین فرموده بود.^۳

۴. در زمان خلفای سه‌گانه، قانون مدونی برای قضاؤت وجود نداشت و قاضی از روی آیات قرآن و طبق رسوم و سنن حکم صادر می‌کرد، ولی در زمان خلافت علی ؑ علم فقه و قانون مدونی به وجود آمد. در حوزه حقوق جزا در شرق، علی ؑ نخستین کسی بود که در محاکمات، شهود را از هم جدا کرد و از هر یک جداگانه شهود گرفت.^۴

۱. کارن آرمسترانگ، زندگی نامه پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ، ص ۲۰۴؛ زندگانی چهارده مخصوص، ص ۹۱؛ و گوستاو لوپون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۲۵۲.

۲. سوره بقره، آیه ۲۰۷.

۳. ایرام لاپیدوس، تاریخ جوامع اسلامی، ص ۱۰۳.

۴. امام علی از نگاه دانش‌وران، ص ۳۷۱.

د) مباھله

قضیه مباھله پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت ایشان، یکی از ادله‌ای است که می‌شود توسط آن حقانیت علی ﷺ را برای خلافت و جانشینی اثبات کرد، پس از این که نحر ایمان حاضر به مباھله نشدند، قرارداد سیاسی میان آن‌ها و رسول خدا به امضا رسید، ولی این قرارداد مخصوص دوران خود پیغمبر ﷺ نبود، بلکه کسانی دیگر نیز مثل امام علی ﷺ، امام حسن ﷺ، امام حسین ﷺ و فاطمه زهرا که جانشینان واقعی رسول خدا بودند، از قرارداد محافظت می‌کردند.^۱

ه) شجاعت حضرت علی ﷺ

شجاعت علی ﷺ در جنگ‌ها زبان‌زد همگان است. مثلاً در احده که ابتدا جنگ تن به تن شروع شد، حضرت علی ﷺ طلحه را که از پهلوانان کفار بود، به زمین انداخت و در ادامه جنگ، به دنبال سران کفر می‌گشت تا آنها را از پا درآورد.^۲

یکی از فضایل دیگر علی ﷺ که شیعه و سنه، مسلمان و غیرمسلمان و غربی و شرقی، به آن اعتراف دارند، این است که آن حضرت در جنگ‌های اسلام مانند یک فرد دلاور، سلحشور، و قدرتمند جنگی بوده و به آن اوصاف شناخته می‌شده است که حتی حالت افسانه‌ای به خود گرفته بود. آن حضرت در جنگ‌های مختلف مثل احده، بدر، خندق و یمن، دفاع شجاعانه‌ای از اسلام کرد و در جنگ خیر، رسول خدا پرچم را به او سپرد و آن خود نیز فضل بزرگی برای هر جنگ‌جو به حساب می‌آمد. در همان جنگ بود که پیامبر ﷺ فرمود: «فردا پرچم را کسی حمل می‌نماید که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبر هم او را دوست دارند و مسلمانان به وسیله او پیروز خواهد گشت.» و چنین هم شد؛ در اندک زمان تمام قلعه‌های خیر به دست علی ﷺ فتح گردید.^۳

۳. جنگ بدر نخستین جنگی بود که بین مسلمانان و کفار قریش اتفاق افتاد و مسلمانان در آن پیروز شدند. وقتی دو سپاه در مقابل هم قرار گرفتند، سه مبارز از کفار بهنام‌های عتبه، شعبه و ولید در وسط میدان آمده، مبارز طلبیدند. سه نفر از مسلمانان مدینه آمدند تا با کفار نامبرده بجنگند، ولی آن‌ها نپذیرفتد، و گفتند: باید از طرف شما

۱. لویی ماسینیون، مباھله در مدینه، ترجمه محمود رضا افتخارزاده، ص ۷۴، تهران: انتشارات قلم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲. گوستاو لوپون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۲۶۲.

۳. ترمذی، جامع الصحیح، ج ۵، ص ۵۶۶؛ اسرار آل محمد، ص ۲۹۰؛ شیخ صدوق، خصال، ص ۶۲.

مسلمانان مهاجر سرشناس باشند. رسول خدا علی ﷺ، حمزه، و عبیده بن حارث را فراخواند و در مقابل مشرکان فرستاد. هر کدام پس از معرفی خویش و خواندن اشعاری، جنگ تن به تن را شروع کردند علی ﷺ پسر عمومی پیامبر اعظم ﷺ که بهترین شمشیر زن بود، حریف ولید را ظرف چند دقیقه از پای درآورد و شاهرگ حلقوم او را برید. حمزه و عبیده نیز رقبای مبارز خود را کشتند که پس از آن جنگ عمومی آغاز گردید.^۱

و) جایگاه علی نزد پیامبر ﷺ

پیوند عقد اخوت میان رسول خدا ﷺ و علی ﷺ در مجموعه اصحاب آن حضرت،
بیان‌گر جایگاه و شخصیت امام علی ﷺ است. خاتم الانبیا علاوه بر مسأله ایجاد پیوند
برادری، وی را شخص مورد اعتماد خود می‌دانست که به آن اشاره می‌گردد.

عقد اخوت

یکی از کارهایی که خاتم الانبیا پس از رسیدن به مدینه انجام داد، عقد اخوت بین
مهاجران و انصار بود. خود پیامبر اسلام علی ﷺ را برای برادری خویش برگزید. این کار
حضرت یکی از نشانه‌های محبت رسول خدا به حضرت علی بود.^۲ این حرف معروف و
مسلم است که پیامبر اعظم ﷺ فرمود:

يا على انت بمنزلة هارون من موسى الا انه لابي بعدي.^۳

اطمینان کامل

۱. پیامبر اسلام ﷺ به علی ﷺ دستور داد که سوره برائت را از ابوبکر بگیرد و به دستور خداوند در بین زائران خانه خدا بخواند که چنین نیز شد. از همه مهم‌تر مسأله مباھله است که عظمت اهل بیت پیغمبر را نشان می‌دهد که خداوند چنین کاری را فقط از آنان خواسته بود.^۴
۲. در جنگ احد که دومین جنگ بین مسلمانان و کفار قریش بود، علی ﷺ به عنوان بهترین مدافع اسلام و پیامبر اسلام شناخته می‌شد. طبق برخی گفته‌ها هنگامی که سربازان قریش فرار کردند و از احد رفتند، حضرت زهراء ام کلثوم خود را به پدرشان

۱. ویرژیل گیورگیو، محمد پیغمبری که از تو باید شناخت، ص ۲۴۱.

۲. نخستین اندیشه‌های شیعی امام محمد باقر علیه السلام، ص ۱۱.

۳. شیخ مفید، ارشاد، ج ۱، ص ۱۰۱؛ امامی شیع توسی، ص ۵۹۸؛ قاضی منهاج سراج، طبقات ناصری، ص ۷۶، تهران؛ دنیای کتاب، چاپ اول ۱۳۶۳؛ زندگانی چهارده مقصود، ص ۱۸۰.

۴. همان، ص ۱۲.

حضرت محمد ﷺ رساندند. حضرت زهرا خواست زخم‌های پدر را بینده، ولی رسول خدا فرمود: «به سوی علی برو و از او مراقبت کن، چون زخم‌های علی بیشتر از زخم‌های من است.» هم‌چنین ابو عبیده جراح وقتی علی ﷺ را معاینه کرد گفت: «یا علی من باید از سر تا پای شما را بیندم و به وسیله تخت روانه مدینه کنم؛ زیرا در دوره طبابت خود ندیدم کسی را که در میدان جنگ این همه زخم بردارد و حیرانم که شما با این همه زخم و جراحت، چگونه توانستید پایداری کنید و به جنگ ادامه دهید؟ چون حضرت بیش از هشتاد زخم برداشته بود.^۱

۳. پس از آن که یهودیان خیر شکست خوردند، رسول خدا همراه تعداد زیادی از مسلمانان برای زیارت خانه خدا راهی مکه شدند، ولی در سرزمین حدبیه متوقف گشتند و از پیش روی آن‌ها جلوگیری شد. مدت چند روز هیأت‌های مختلف از طرف کفار مکه به محض رسول خدا رسیدند. که در آخر سه‌لین عمر آمد و حاضر شد که صلح‌نامه حدبیه را به امضا برساند. در این هنگام پیغمبر اسلام ﷺ حضرت علی ﷺ را فراخواندند و به او فرمان دادند که پیمان را با نام خدا آغاز نماید. علی ﷺ قلم به دست گرفته، چنین نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». سهل گفت: «من رحمان و رحیم را نمی‌شناسم.» علی ﷺ به دستور رسول خدا عبارت «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ» را نوشت. وقتی سهل به کلمه رسول خدا (اللَّهُمَّ) اعتراض کرد، رسول خدا فرمود: «یا علی همان‌گونه بنویس که سهل می‌خواهد.» علی ﷺ چون مردی داشمند و خوش‌نویس و از بزرگان و ارکان اسلام به شمار می‌آمد، صلح‌نامه را نوشت و طرفین آن را امضا کردند.^۲

۴. در این که برخی مدعی هستند که پیامبر خدا ﷺ خواندن و نوشتن بلد بود، هیچ سند تاریخی و دقیقی وجود ندارد، بلکه بر عکس تاریخ گویای این مسأله است که او هرگاه می‌خواست نامه‌ای بنویسد، آن را برای علی ﷺ می‌گفت و حضرت علی ﷺ می‌نوشت. این که بگوییم او خواندن و نوشت را می‌دانست و بلد بود ولی آن را پنهان می‌کرد، این حرف به شبده‌بازی بیشتر شباهت دارد تا به واقعیت.^۳ خاتم الانبیا وقتی می‌خواست پیمان صلح حدبیه را با سهل بن عمر بنویسد و به امضا برساند، علی ﷺ را برای نوشتن آن طلب کرد و از او خواست تا بنویسد.^۴

۱. ویرژیل گیورگیو، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ص ۲۸۵.

۲. همان، ص ۳۴۸؛ زندگانی چهارده مقصوم، ص ۱۴۱.

۳. کارن آمسترانگ، زندگانی‌نامه پیامبر اسلام محمد ﷺ، ص ۱۱۴.

۴. همان، ص ۳۰۰.

۵. در سال هشتم هجرت هنگامی که رسول خدا ﷺ مکه را بدون خون‌ریزی فتح کرد، اولین دسته‌ای که وارد مکه شدند، تحت فرماندهی علی بن ابی طالب قرار داشتند و علی ﷺ پرچم پیغمبر را حمل کرد و به طرف خانه خدا یعنی جایی که به دنیا آمده بود رفت. در آن روز فقط پنج نفر وارد خانه کعبه شدند: خاتم الانبیاء، علی ﷺ، عثمان بن زید، بلال حبیبی و عثمان بن طلحه. رسول خدا پس از اتمام حج، یکی از بتها را بر زمین انداخت و آن را شکست و تخریب دیگر بتها را به علی ﷺ واگذار نمود و فرمود: «تمام بتها و هر نوع صورت دیگر را که در خانه خدا هستند، معدوم ساز و از بین بپرس.» بنابراین علی ﷺ را سومین بت‌شکن تاریخ می‌توان دانست: اولی حضرت ابراهیم، دومی پیامبر اکرم ﷺ و سومی حضرت علی ﷺ.^۱

۶ در جنگ احزاب(خندق) که قشون و سربازان کفر دو هفته در مقابل خندق مسلمانان معطل ماندند، چندین بار جنگ تن به تن بین برخی از کفار و مسلمین رخ داد. از جمله این که دو فرمانده مشهور و برجسته مشرکان در جنگ تن به تن به دست حضرت علی بن ابی طالب ﷺ کشته شدند: یکی از آن‌ها عمرو بن عبدود بود. وقتی علی ﷺ روی سینه او نشست، عمرو بر روی حضرت آب دهان انداخت. آن حضرت از جا بلند شد و چند قدم زد. عمرو صدا زد: «من مسلمان نمی‌شوم، پس چرا مرا نمی‌کشی؟» علی ﷺ فرمود: «چون تو به صورتم آب دهان انداختی، من خشمگین شدم و نخواستم که تو را به سبب خشم خود بکشم، چون ما برای رضای خدا می‌جنگیم. پس حالا که مسلمان نمی‌شوی، تو را می‌کشم.» عمرو مسلمان نشد و حضرت او را کشت و زره‌اش را برای خواهرش فرستاد، فرد دیگر نوبل مخزومی بود که به دست علی ﷺ کشته شد.^۲

ز) نقش حضرت علی ﷺ در گسترش اسلام

۱. حضرت علی به دستور پیامبر ﷺ و در جهت گسترش اسلام، جان‌فشنای‌های زیادی کرد. هنگامی که پیامبر گرامی اسلام از طرف خداوند به تبلیغ علنی دین اسلام مأمور شد، به علی ﷺ دستور داد که اقوام و بزرگان و خویشاوندان پیامبر را جهت صرف غذا به خانه‌اش دعوت نماید و علی ﷺ بیش از چهل نفر را دعوت کرد و غذا تهیه نمود. پس از صرف طعام، برخی از مدعوین که در رأس آنها ابوجهل قرار داشت، به پیامبر

۱. همان، ص ۳۹۵.

۲. ویرژیل گیورگیو، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ص ۳۲۳.

اکرم ﷺ اجازه صحبت نداد. و روز بعد نیز این دعوت تکرار شد و حضرت محمد ﷺ پس از خوردن غذا، رشته صحبت را به دست گرفت و چنین فرمود: «ای رؤسای قریش! خدا به من امر کرده است که شما را به سوی او بخوانم. کیست از میان شما که برادری و هم کاری و جانشینی مرا قبول نماید؟» حاضران به سؤال پیامبر اعظم جز سکوت، جوابی ندادند فقط علی ﷺ پاسخ داد: «من برادری شما را قبول می کنم.» پس از آن رسول خدا ﷺ فرمود: «این برادر و وصی من است، حرف او را گوش کنید.»^۱

۲. در دنیا تقریباً رسم بر این است که برای دختر دم بخت معمولاً خواستگارهای متعدد می آید و دختر نصیب یکی از آنان می شود. در مورد حضرت فاطمه زهراء رض قضیه چنین بود. ابوبکر و عمر هر دو برای ازدواج با فاطمه رض پیش قدم شده بودند، ولی پیامبر اعظم ﷺ فکر دیگری را در سر می پروراند. او فاطمه رض را برای علی رض در نظر گرفته بود که او را نیز همانند فرزند و پسر خود تربیت کرده بود و دوست می داشت و از دوران کودکی در کنار فاطمه رض بزرگ شده بود، علی رض از نظر مالی چیزی جز شمشیر نداشت، ولی رسول خدا او را به سبب شایستگی های دیگرش بر دیگران ترجیح داد و حضرت زهراء رض را به همسری علی درآورد.^۲

بنابراین، یاری امیر مؤمنان در انذار عشیره و ازدواج آن حضرت با فاطمه زهراء باعث تقویت و گسترش اسلام گردید.

۳. پس از آن که رسول خدا بر اثر فشار و آزار کفار قریش، مکه را ترک و در مدینه ساکن شد، مشرکان در سال دوم هجرت، جنگ بدر را علیه مسلمانان به راه انداختند. چون رسم و عادت عرب بر این بود که تن به تن بجنگند، در بدر هم جنگ تن به تن آغاز گردید. سه نفر از مسلمانان (علی رض، حمزه و عبیده بن حارث) انتخاب گشتند و از کفار هم (عتبه، شیبه و ولید بن عتبه) برگزیده شدند. و قهرمان مسلمانان، جنگجویان کفر را یکی پس از دیگری از پای درآورد که سرانجام این جنگ به نفع مسلمانان خاتمه یافت.^۳

۴. طایفه قریش به ده قبیله کوچکتر تقسیم می شدند که در کارهای حساس در دارالندوه جمع شده، برنامه ریزی می کردند و تصمیم می گرفتند. پس از هجرت مسلمانان

۱. امامی شیخ تووسی، ص ۵۸۳؛ امام علی از نگاه دانش و ران، ج ۳، ص ۴۲۵.
 ۲. کارن آرمسترانگ، زندگی نامه پیامبر اسلام محمد، ص ۲۲۴؛ امامی شیخ تووسی، ص ۵۸۳؛ علامه حلی، انبات الوصیه لامام علی، ص ۱۲.
 ۳. همان، ص ۲۲۷.

به مدینه، آنان برای این که از دست پیامبر اعظم ﷺ راحت شوند و منافعشان به خطر نیفتند، در همان مکان عمومی جمع شدند و تصمیم گرفتند که شبانه از هر قبیله یک جنگجو به خانه پیامبر اسلام هجوم آورند و او را ترور کنند. ولی پیامبر از طرف خداوند به وسیله جبرئیل از این تصمیم شوم آگاهی یافت. به گفته برخی از خاورشناسان، رقیه دختر ابی سیف عمه پیامبر ﷺ پیامبر را از این نقشه آگاه ساخت. رسول خدا پس از آگاهی از تصمیم سران قریش در دارالندوه، علی ﷺ را در بستر خویش خواباند و شبانه راهی مدینه شد.^۱

۵. وفاداری علی ﷺ در پیمان صلح با معاویه، کار خلاف عقل و منطق بود، زیرا علی ﷺ با شیطان (معاویه) پیمان بسته بود و نمی‌خواست این پیمان را نقض کند.^۲

به راستی علی ﷺ از حق خود و جهاد با معاویه و عثمان گذشت تا وفای به عهد در میان بنی آدم به صورت یک فرهنگ درآید. خوارج به این علت علی ﷺ را به رهبری برگزیده بودند که برایشان کاملاً روشن شده بود که علی ﷺ برترین صحابه اولیه پیامبر اسلام است و خلیفه، از میان همین اصحاب اولیه انتخاب می‌شد. عایشه دشمن دیرینه علی ﷺ پس از جنگ جمل اعتراف کرد که علی ﷺ از بهترین خویشاوندان پیامبر اعظم ﷺ است.^۳

۶. حقانیت و شخصیت علی ﷺ بعد از شهادت، بهتر از زمانی که زنده بود، جلوه‌گر شد. طرفداران او، وی را مرشد، شاه اولیا و ولی خدا می‌دانستند و علی ﷺ نزد بعضی از شیعیان، معصوم و خطاناپذیر معرفی شده بود؛ حتی نزد اهل سنت، به عنوان نمونه کامل سیاست عربی و مروت اسلامی شناخته شد.^۴

۷. معاویه وقتی در خلافت خود عرصه را بدون منازع دید، به بنای تشکیلات حکومتی جدید در چارچوب و ساختار بیزانس قدیم پرداخت، ولی طرز حکومت عرب را از بسیاری از مشخصات عتیق آن بیرون کرد. او در جنگ جویی از علی ﷺ نازل تر بود، ولی در مقابل دیگران چیزی کم نداشت.^۵

۸. بی‌شك علی ﷺ انسانی کامل، بی‌نظیر و بی‌مانند. برخی خاورشناسان درباره آن حضرت گفته‌اند: علی ﷺ در فن نطق و خطابه، فردی مبتکر است. در خطبه‌ها و

۱. ویرژیل گیورگیو، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۲. یولیوس ولهاوزن، تاریخ سیاسی صدر اسلام، ترجمه دکتر محمود رضا افتخارزاده، ص ۱۴۱، تهران: انتشارات دفتر نشر معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۳. همان.

۴. فیلیپ خوری حتی، شرق نزدیک در تاریخ، ص ۲۳۴.

۵. همان، ص ۲۳۵.

سخنرانی‌های او هرگز جمله‌های پیچیده‌ای که شنونده را خسته کند، وجود ندارد؛ گویی کلام را مانند جواهر تراش می‌دهد.^۱ علی عليه السلام یک سره به سوی هدف می‌رود و جمله‌های او که موجز و مختصر است، هرگز شنونده را خسته نمی‌کند. به اتفاق آرای عمومی علی عليه السلام بی‌شك فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین خطیب است.^۲

۹. خیر نام ناحیه‌ای در هشت منزلی مدینه است. در این ناحیه در زمان قدیم، هفت قلعه و مزارع و نخلستان وجود داشت که در سال هفتم قمری به دست پیغمبر اسلام گشوده شد. و لفظ خیر عبری و به معنای قلعه است.^۳ قلعه‌ای در نزدیکی مدینه که مقر یهودیان بود و در آغاز ظهور اسلام (سال هفتم هجری قمری)، به دست علی بن ابی طالب گشوده شد.^۴

۱۰. پس از امضای صلح حدیبیه بین پیامبر اعظم و مشرکان، پیمان سکنه خیر لغو گردید. بدین علت رسول خدا برای جنگ با آنها ۱۵۰۰ مرد جنگجو را همراه خود به طرف خیر حرکت داد. در مرحله اول، فرماندهی لشکر به عهده خود پیامبر بود اما به واسطه هوای نامساعد آن‌جا، حضرت مريض شد و فرماندهی را به ابوبکر واگذار کرد. ابوبکر بيش از دو روز نتوانست فرماندهی را به عهده گيرد. پس از آن فرماندهی سپاه اسلام را عمر عهده‌دار گردید. و او نيز کاري از پيش نبرد. او رئسای لشکر را جمع کرد و گفت: «فرماندهی ارتش را در اين جنگ باید به علی داد؛ زيرا هيچ کس را لايق تر از او نمی‌دانم. چون مردي با استقامت، صبور و شجاع است که اگر صد مرد جنگی را در مقابل خود ببیند و خودش تنها باشد، پشت به دشمن نخواهد کرد.»^۵

در جنگ خیر هنگامی که ابوبکر و عمر نتوانستند قلعه‌های یهودیان را فتح نمایند، علی عليه السلام از طرف رسول خدا عليه السلام به فرماندهی لشکریان اسلام منصوب و معرفی شد. وقتی آخرين قلعه خیر به دست حضرت علی فتح گردید، پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم تازه از بیماری برخاسته بود. رسول خدا در حضور مسلمانان علی عليه السلام را در برگرفت و بوسید و گفت: «يا علی تو اسد الله هستی.» یعنی با این پیروزی که نصیب مسلمانان کرده‌ای، تو شیر خدا

۱. امام علی از نکاه داش و ران، ج ۳، ص ۳۷۰.

۲. همان، ص ۳۷۰.

۳. لغت‌نامه دهخدا، ج ۲۲، ص ۹۸۲.

۴. محمد معین، فرهنگ فارسی، ص ۴۹۱، تهران، سپهر، چاپ هشتم، سال ۱۳۷۱.

۵. ويرژيل گيورگي، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ شیخ مفید، رشداد، ج ۱، ص ۵۶.

هستی. این عنوان برای علی ﷺ برای همیشه باقی ماند و هیچ کس به این لقب مفتخر نشد.^۱

بغوی و ابن‌ابی‌الحدید نقل می‌کنند:

رسول خدا در زمان جنگ با یهودیان خیر مريض شد. ابوبکر فرمانده سپاه گردید و به حمله مبادرت کرد ولی با تلفاتی که برای لشکر کوچک اسلام سنگين بود، عقب‌نشيني کرد و گفت که از عهده غلبه بر دژهای خير برنمي‌آيد. پیامبر اکرم عمر را به سمت فرماندهی انتخاب کرد. او نيز به حمله مبادرت کرد ولی در مقابل مقاومت شدید یهودیان عقب نشست و گفت: «نمی‌توانم از عهده تسخیر خير برآیم.» پیامبر پس از عقب‌نشيني ابوبکر و عمر فرمود: «فرماندهی را به پسرعموی خود علی ﷺ واگذار خواهم کرد و یقین دارم که از فرماندهی عذر خواهد خواست.» و قضيه چنین شد و علی ﷺ هم دژهای خير را يكی پس از دیگری فتح کرد و از آن درب معروف مانند سپر استفاده نمود.^۲

خاورشناisan و اعلمیت علی ﷺ

رسول گرامی اسلام درباره اعلمیت حضرت علی ﷺ می‌فرماید: «علی اعلم امت من و قضاوت کننده‌ترین آن‌ها در مسائل اختلافی پس از من است.» و هم‌چنین می‌فرماید: «انا مدینة‌العلم و علی بابها».^۳

رسول خدا به حضرت زهراء ﷺ فرمود: «علی ﷺ دارای علم گذشتگان و آيندگان است. او وصی و جانشین من و سایر انبیاست.»^۴

۱. خداوند به امامان دانشی عطا کرده که از آينده خبر دارند و افکار مردم را می‌خوانند. لذا آنها می‌توانند رهبری جامعه را عهده‌دارشوند. خود علی نيز فرمود: «سلوني قبل ان تفقدونی». ^۵

۲. شيعيان در طول تاريخ پس از رحلت رسول خدا اذیت می‌شدند و حتی در دوران خلفای عباسی نيز زير فشار بودند و به آنان ظلم می‌شد، ولی از عقیده خود دفاع کرده، می‌گفتند: «اعقاب حسن و حسین ﷺ همه برگزیده‌اند. ميان ايشان چند تن داراي نور

۱. همان، ص ۵۶؛ صحيح مسلم، ج ۵، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۳۶۶.

۳. شیخ مفید، امالی، ص ۱۶۲ و ۲۶۲.

۴. زندگانی چهارده معصوم، ص ۲۳۵.

۵. مارتین مکدرموت، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۴۴؛ شیخ مفید، ارشاد، ج ۱، ص ۳۳-۳۵.

امامت هستند که به ظهور رسیده‌اند و همه آنها نور امامت را از علیؑ^{علیهم السلام} به میراث برده‌اند و دارای دو صفت مخصوص و متمایز هستند: یکی عصمت از خطأ و گناه، دوم علم بر کتاب و سنت نبی. این سلسله تا حضرت مهدیؑ^{علیهم السلام} ادامه یافته ولی او از دیدگان همه غایب است و هرگاه خدا بخواهد، ظهور خواهد کرد و سلطنت حق و عدالت را در جهان برقرار خواهد ساخت.^۱

۳. این که امامت نهادی است که وظیفه پیامبر اعظم ﷺ را تکمیل می‌نماید و آن را از تحریف و دست برداشتمان حفظ می‌کند، از عقاید مسلم شیعی است. شیعیان بر این باورند که شخص امام علیهم السلام حامل علم الهی است و ظرفیت و توان رهبری روحانی جامعه را به عهده دارد و هیچ کسی غیر از امام معصوم که خداوند وظیفه او را توسط پیامبر ارش تنفیذ کرده، چنین کاری را نمی‌تواند انجام دهد؛ زیرا فقط امام در همه امور آگاهی لازم را دارد.^۲

۴. علم یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد امامان بهشمار می‌آید؛ زیرا علم آنها با علم پیامبر اکرم ﷺ یکی است. علی عليه السلام تنها شخصیتی بهشمار می‌آید که در بین متقدمان شیعه، توجه پژوهش‌گران را به خود جلب کرده است. با وجود این، جهانیان او را نه به عنوان بنیان‌گذار تشیع، بلکه بیش از هرچیزی به عنوان یک عالم و ادیب عالی‌قدر و شخصیت سیاسی صدر اسلام، می‌شناسند. برخی از پیش‌گامان مطالعات عربی در هلند مثل ژاکو بوسی، قسمتی از کلمات قصار حضرت را در آثار خود منتشر کرده‌اند. آن‌ها فضیلت و کمال انسانی را در وجود علی عليه السلام متبلور می‌دیدند و ویژگی‌های برجسته او را با هیچ شخصیت دیگری در دنیا قابل مقایسه نمی‌دانستند؛ چون او دارای همه خوبی‌ها بود.^۲
۵. همه شیعیان بر این باورند که ائمه برگزیدگان خدا ببروی زمین هستند که نور خود را از علی عليه السلام گرفته‌اند و دو ویژگی دارند که بقیه افراد فاقد آن دو صفتند: یکی عصمت از خطأ و دیگری علم برکتاب خدا و سنت پیامبر.^۳

۱. ریچارد بوش، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۷۶۸، تهران، انتشارات، علمی و فرهنگی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۵.

^۲ امالی شیخ توسی، ص ۱۲؛ امالی شیخ صدوق، ص ۸ و ۱۳؛ ریچارد بوش، جهان مذهبی (ادیان در جوامع امروز)، ص ۸۸۸

^۳ آستان کلبرگ، مطالعات غرب در خصوص اسلام، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تل اوبو، ص ۴۹، ۱۹۸۴.
تهران: فاروس ایران، ۱۳۸۵.

^۴. جان باپرناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۷۶۷.

۶. علی ﷺ در زمینه‌های مختلف آگاهی داشت و مسائل را به روش خودش حل و فصل می‌نمود به همین سبب، بایی را در قضاوت باز کرد که سرمشق همگان گردید. علی ﷺ دریچه‌ای جدید و عهد تازه‌ای افتتاح کرد که در زمان خلفای سه‌گانه در تمام مسائل پیچیده که خلفای مذکور از حل آنها عاجز بودند، خلفاً و دیگران از آن استفاده می‌کردند و هر مسأله غامضی که برای امت اسلامی پیش می‌آمد، با تدبیر علی ﷺ حل می‌شد و این جمله به صورت ضربالمثل در آمده بود: «حل آن را باید از تدبیر علی ﷺ خواست» (چاره این مشکل را فقط از ابوالحسن باید خواست). حقاً که چنین هم بوده است.^۱

۷. یگانه علم مطلوب نزد ائمه است؛ زیرا آنها وارثان انبیا در روی زمین هستند. همچنین گفته شده است که ائمه به چگونگی وفات خود نیز علم دارند و هر امامی امامت را از جانب پیامبر ﷺ به امام پس از خود واگذار می‌کند.^۲

بعضی از خاورشناسان یادآور شده‌اند که در پایان روزگار اموی، برخی از شیعیان به اینجا رسیدند که علم معتبر و با ارزش، فقط در نزد علی ﷺ و یک شاخه از خاندان او حفظ شده است و مسلمانان کسی را که خداوند به نام امام واقعی امت بر می‌گزیند، تنها در این خاندان می‌توانند بیابند، خواه او دارای قدرت و در رأس حکومت باشد یا نباشد. رهبری شضروری و اطاعت‌ش بر هر مسلمان واجب است که باید او را پیدا و شناسایی نمود و به اوامر و نواهی‌ش گردن نهاد.

۸. چون شیعیان به فرقه‌های مختلف تقسیم شدند، تنها شیعیان دوازده‌امامی، علی ﷺ و یازده فرزند او را که از نسل حسین ﷺ هستند، به عنوان خلیفه رسول خدا و امام معصوم قبول دارند و می‌گویند: آنها دارای علم لدنی هستند که افراد دیگر از چنین فضلی بی‌بهره‌اند.^۳

۹. علی ﷺ نخستین امام شیعیان است. آنها می‌گویند که پیغمبر اسلام، دانش‌های خود را به او سپرده، زیرا دیگران شایستگی آن را نداشتند. خاندان علوی این علوم را یکی پس از دیگری به ارث برده‌اند. حتی اهل سنت نیز در این مورد نظر موافق دارند و می‌گویند: علی ﷺ مردی فاضل است و علمی بیش از اندازه دارد، و حسن بصری او را ربانی این

۱. امام علی ﷺ از نگاه دانش‌وران، ج ۳، ص ۳۷۰.

۲. نیومن اندروجی، دوره شکل‌گیری تشیع امامی، ص ۲۲۷-۲۲۲.

۳. کارن آرمستانگ، خداشناسی از ابراهیم تا کنون، ص ۱۹۱.

ملت خوانده است. این گفتار، علم و اعلمیت علی ﷺ را نشان می‌دهد که دیگران فاقد آن بودند.^۱

۱۰. علی ﷺ در اثر همراهی با پیامبر اعظم ﷺ از زمان طفولیت تا رحلت رسول خدا، به مسائل میراث و قضایای مشکل، دانا و عالم بود. خلیفه دوم عمر می‌گفت: «از مسائل مشکلی که علی ﷺ برای آن راه حل و راه چاره‌ای پیدا نکند، به خدا پناه می‌برم.» این حرف نشان از اعلمیت آن حضرت در مقایسه با بقیه افراد عصر خویش دارد. خود حضرت علی ﷺ هم می‌فرمود: «درباره کتاب خدا از من بپرسید، به خدا قسم! از هر آیه‌ای بپرسید، می‌دانم که آن آیه شب نازل شده یا روز، در دشت نازل شده یا کوه.»^۲

۱۱. امامان شیعه و در رأس آنها علی ﷺ اضافه بر علم همگانی، دانش درونی نیز دارند که یکی پس از دیگری آن را به ارث برده‌اند. علی ﷺ نه تنها معنای حقیقی قرآن را می‌فهمید که از درک همگانی پنهان است بلکه همه رخدادهای جهان را تا روز رستاخیز می‌دانست.^۳

نتیجه

آن‌چه به‌طور فشرده گفته شد، جایگاه ارزش علمی و نقش چشم‌گیر امام علی ﷺ در فرآیند بسازی فرهنگی اسلام در زمان حیات پیامبر ﷺ و دفاع از حوزه باورهای دینی و دست‌آوردهای فکری قلمرو جغرافیایی امت اسلامی است که از منظر خاورشناسان و شیعه ارزیابی شده است. امام علی ﷺ که همواره در کنار رسول خدا حضور داشته و از حوزه ارزش‌های مکتبی خالصانه دفاع می‌کرده و در عرصه‌های گوناگون نظامی نقش چشم‌گیری داشته به صورت شخصیت ماندگاری در آمده که فراموش ناشدنی است. خاورشناسان در آثار خود، به آن دسته از فضایل پرداخته‌اند که با توجه به مطالب گفته شده، برتری و شایستگی امام علی ﷺ را در منصب زعامت امت اسلامی به اثبات می‌رسانند، گرچه منابعی شیعی در این قسمت غنی‌تر و پریارتر است.

۱. گلذبیهر، درس‌هایی درباره اسلام، ج ۲، ص ۴۴۸-۴۴۷.

۲. امام علی ﷺ از نگاه دانش‌وران، ج ۳، ص ۲۴۲.

۳. گلذبیهر، درس‌هایی درباره اسلام، ج ۲، ص ۴۷۱.

منابع

۱. آرالانی آرزینا، نخستین اندیشه‌های شیعی تعالیم امام محمد باقر علیه السلام، ترجمه بدره‌ای، تهران: انتشارات فروزان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲. ابن هشام، زندگانی محمد پیامبر اسلام، ترجمه سید‌هاشم رسولی، تهران: اسلامیه، [بی‌تا].
۳. اسماعیل بن کثیر، البدایه والنہایه، لبنان، بیروت، دارالحیاءالتراث العربیه، الطبعه الاولی ۱۴۲۲ق ۲۰۰۴م.
۴. امیری فر امیرعلی، امام علی علیه السلام و قرآن و نهج البلاغه از منظر علی دوستان جهان، تهران: انتشارات طاووس بهشت، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۵. اشپول برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
۶. آرنولد سرتوماس، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه ابوالفضل عزیزی، تهران: انتشارات دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۷. ابن اثیر عزالدین، تاریخ کامل، ترجمه سید‌محمد‌حسین روحانی، تهران: اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۸. آرمسترانگ کارل، خداشناسی از ابراهیم تاکنون، ترجمه محسن سپهر، تهران: نشر مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۹. ادموند باسورث کلیفورد، سلسله‌های اسلام جدید، ترجمه دکتر فردیون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱، چاپ اول.
۱۰. ابن اسحاق محمد، السیره النبویه، لبنان: بیروت، دارالكتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۴ق ۲۰۰۴م.
۱۱. ابن سعد محمد، طبقات‌الکبیری، لبنان بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق ۱۹۹۴م.
۱۲. آندره میکل، اسلام و تمدن اسلام، ترجمه حسن فروغی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۳. اندروجی نیومن، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، ترجمه مهدی ابوطالبی و دیگران، قم: شیعه‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۱۴. بلک آنتونی، تاریخ اندیشه سیاسی اسلام از عصر پیامبر ﷺ تا امروز، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۵. بایرناس جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: چاپ شانزدهم، انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۸۵.
۱۶. بوش ریچارد، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات، علمی و فرهنگی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۵.
۱۷. بوش ریچارد و دیگران، جهان مذهبی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر فرهنگی اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۱۸. پیترز اف. ای، یهودیت، مسیحیت و اسلام، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۹. تقیزاده داوری محمود، تصویر شیعه در دائرة المعارف آمریکانا، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۰. تقیزاده داوری محمود و دیگران، تصویر امامان شیعه به نقل از دائرة المعارف اسلام، قم، انتشارات شیعه‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۲۱. ترمذی، جامع الصحیح، لبنان: بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸هـ، ۱۹۸۷م.
۲۲. توosi ابی جعفر محمدبن الحسن، امالی، قم، انتشارات دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ.
۲۳. حتی فیلیپ خوری، شرق نزدیک در تاریخ، ترجمه قمر آریان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۲۴. حورانی آبرت، تاریخ مردمان عرب، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران: سپهر، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۵. خسرو بناء عبدالحسین، دانشنامه امام علی علیه السلام، (قلمرو دین).
۲۶. دهخدا علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: شرکت چاپ، چاپ ۱، سال ۱۳۴۷.
۲۷. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، لبنان: بیروت، چاپ اول ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۷م.
۲۸. رنان کالین. ا، تاریخ علم کمبریج، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.

۲۹. سیوطی جلال الدین، *التوسيع على الجامع الصحيح، (صحیح بخاری)*، لبنان، بیروت، دارالعلم، چاپ اول ۱۴۲۰ق، ۱۴۰۰م.
۳۰. شیمل آنه ماری، محمد رسول خدا، ترجمه حسن لاهوتی، تهران: انتشارات علمی- فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۳۱. شیخ طبرسی امین‌الاسلام، زندگانی چهارده معصوم، ترجمه عزیزالله عطاردی، انتشارات اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۳۲. _____، زندگانی چهارده معصوم، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران: چاپ اسلامیه، چاپ دوم ۱۳۷۷.
۳۳. شهیدی سید جعفر، دانشنامه امام علی علیه السلام (زیست‌نامه امام علی علیه السلام)، زیر نظر علی اکبر رشاد، تهران، پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۴. شیخ صدوق، امالی، ترجمه سید محمد باقر کمره‌ای، تهران: انتشارات اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲.
۳۵. _____، خصال، مترجم: محمد باقر کمره‌ای، تهران، کتابچی، چاپ دهم، ۱۳۸۴.
۳۶. _____، صفات شیعه، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی طوبای محبت، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
۳۷. _____، کمال الدین و اتمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، قم: دارالحدیث، چاپ اول ۱۳۸۰.
۳۸. شیخ مفید، الجمل، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۶.
۳۹. _____، ارشاد، قم: مهر، چاپ اول، ۱۴۱۳.
۴۰. شیخ توسي محمد بن حسن، امالی، قم، دارالتفاقه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۴ق.
۴۱. صمیمی مینو، محمد در اروپا، ترجمه عباس مهرپویا، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۴۲. طبری محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ ششم، ۱۳۸۵.
۴۳. علامه حلی، اثبات الوصیہ للامام علی بن ابی طالب علیه السلام، عراق، نجف اشرف، [بی تا].

۴۴. کلبرگ اتان، مطالعات غرب در خصوص اسلام، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی تل آویو، ۱۹۸۴، تهران، فاروس ایران، ۱۳۸۶.
۴۵. کلینی محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: انتشارات اسوه، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
۴۶. گلزاری‌هر، درس‌هایی درباره اسلام، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، انتشارات ردیاب، چاپ دوم، ۱۳۵۷.
۴۷. گیورگیو ویرژیل، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران، قیام، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۴۸. گیپ همیلتون، اسلام بررسی تاریخی، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۴۹. لمبتوون آن.کی.اس، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه دکتر محمدمهדי فقیه‌ی، تهران: شفیعی، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۵۰. لاپیدوس ایرام، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۵۱. لوئیس برنارد، تشیع و مقاومت، (شیعه در تاریخ)، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی دانشگاه تل آویو، ۱۹۸۴، تاریخ انتشار در ایران، ۱۳۶۸، تهران، فاروس.
۵۲. لوبون گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه، هادی خاتمی بروجردی، تهران: صدر، چاپ اول، ۱۳۵۰.
۵۳. _____، زندگی‌نامه پیامبر اسلام محمد ﷺ، ترجمه کیانوش حشمتی، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۵۴. ماسینیون لویی، مبانده در مدینه، ترجمه محمود رضا افتخارزاده، تهران: انتشارات قلم، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۵۵. مکدرموت مارتین، اندیشه‌های کلامی، شیخ مفید، ص ۱۴۴.
۵۶. میشل مالر ب، انسان و ادیان، ترجمه مهران توکلی، تهران: نشرنی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
۵۷. منهاج سراج قاضی، طبقات ناصری، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۳.

۵۸. محمودی محمدجواد، ترتیب‌الآمال، قم: بنیاد و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰، ش. ۱۳۷۶.
۵۹. معین محمد، فرهنگ فارسی، تهران: سپهر، چاپ ۸، سال ۱۳۷۱.
۶۰. مجلسی محمدباقر، مرآه‌العقل، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
۶۱. مسعودی، مروج‌الذهب، لبنان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲، م. ۲۰۰۲.
۶۲. مهریزی مهدی و ربایی هادی، امام علی^ع از نگاه دانش‌وران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۶۳. مادلونگ ویلفرد، جانشینی حضرت محمد^{صلی الله علیه و آله و سلم}، ترجمه احمد نمایی و دیگران، مشهد: انتشارات استان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۶۴. نیشابوری ابوالحسن مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۵ لبنان، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۷، م. ۱۹۸۷.
۶۵. _____، جهان اسلام، ترجمه دکتر قمر آریان، تهران: سپهر، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۶۶. ویر رابت، جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۶۷. _____، جهان، ادیان در جوامع امروز، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۶۸. وات مونتگمری، محمد پیامبر و سیاست‌مدار، زیر نظر اسماعیل والی‌زاده، تهران، چاپ اسلامیه، ۱۳۴۴.
۶۹. ولهاوزن یولیوس، تاریخ سیاسی صدر اسلام، ترجمه دکتر محمود رضا افتخارزاده، تهران، انتشارات دفتر نشر معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۷۰. هنلز جان، راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبدالرحیم گواهی، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷۱. _____، تاریخ الخلفاء، لبنان، بیروت، صیدا، عصریه، چاپ اول، ۱۴۲۶، ق. ۲۰۰۵.

۷۲. هیوم راپرت، ادیان زنده جهان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
۷۳. هلالی سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، ترجمه، اسماعیل انصاری، قم: دلیل ما، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۷۴. هالم هاینس، تشیع، ترجمه محمد تقی اکبری، قم، نشر ادیان، چاپ اول، ۱۳۸۵.